

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی

۲۱ مارچ ۲۰۲۲

هر روزتان نوروزتان پیروز!

(مهمترین وقایع ایران در سال ۱۴۰۰)

برآمد باد صبح و بوی نوروز به کام دوستان و بخت پیروز

مبارک بادت این سال و همه سال همایون بادت این روز و همه روز

سعدی شیرازی:



مقدمه

همین الان وارد سال ۱۴۰۱ شدیم. نوروزتان پیروز!

رییس اتحادیه بافروشان می‌گوید که به دلیل کاهش قدرت خرید مردم، خرید میوه شب عید ۵۰ درصد کاهش یافته به‌طوری که در آخرین جمعه سال، تقریباً یک سوم از بار میوه در میدان اصلی میوه و تره‌بار در تهران، بدون خریدار باقی ماند.

در سالی که گذشت بحران آب و انرژی، تداوم تحریم‌ها، سوءمدیریت و فساد؛ اعتراضات مردمی و...، با مشکلاتی از جمله این موارد دست به گریبان بود.

در ایران و در آن منطقه نوروز با بهار و بیداری طبیعت می‌آید. پرندگان و سایر حیواناتی که سرمای سخت زمستان را با درد و رنج سپری کرده‌اند به جست‌وخیز و شادی می‌پردازند و آوازخوانی می‌کنند. در نوروز طبیعت و انسان و سایر جانداران همدیگر را در آغوش می‌کشند و به استقبال بهار می‌شتابند.

با این وجود در روزهای پایانی اسفند ماه ۱۴۰۰، شادی و سرور و نگرانی و اندوه چنین برابر می‌گردد. بازار خرید به شدت داغ می‌شود. خانواده‌ها برای ایام نوروز، میوه، آجیل، شیرینی، گوشت و سایر اقلام خوراکی را تهیه می‌کنند؛ اما با توجه به قیمت‌ها، سؤال این است که آیا قیمت مواد غذایی متناسب با جیب مردم است؟ این‌که مردم چه قدر توان خرید مایحتاج خود را دارند؟ هر سال وعده کاهش قیمت‌ها در شب عید، به‌ویژه در مورد مواد غذایی داده می‌شود، اما بعضی از مردم درباره واقعیت بازار نظر دیگری دارند.

مردمانی که عزیزی را از دست نداده‌اند و یا عضوی از خانواده‌شان زندانی و تبعیدی نیست و غم نان هم ندارند شاید خنده بر لبان‌شان بیاید. اما آن‌هایی که چنین وضعیتی ندارند و به‌خصوص با فقر دست‌وپنجه نرم می‌کنند نوروز برایشان عذاب‌آور می‌شود.

در آخرین روزهای سال ۱۴۰۰ احضار و محاکمه و آزار زندانیان سیاسی و اجتماعی در ایران ادامه دارد. افزایش به‌کارگیری مجازات مرگ در زندان‌ها و فشار بر زندانیان سیاسی و اجتماعی در کنار نقض مستمر حق آزادی بیان و سانسور رسانه‌ها، محکومیت‌های گسترده بین‌المللی برای حکومت اسلامی ایران به دنبال داشته و این حکومت را به یکی از ناقضان بزرگ حقوق بشر در جهان تبدیل کرده است.

در سالی که گذشت اخبار زیادی درباره خودکشی دانشجویان، کارگران، معلمان و دیگر اقشار جامعه منتشر شده است. شهروندانی که مشخصاً به دلیل وضعیت سخت معیشتی و تبعیض اقتصادی دست به خودکشی زدند.

گرانی و تورم در بازار ایران غوغا می‌کنند آن‌هم در شرایطی که عید نوروز بدون شیرینی و آجیل و ماهی پلو و غیره معنی ندارد. به‌همین دلیل شاید چشیدن طعم شور آجیل و شیرین شدن کام‌ها با شیرینی و استنشام بوی خوش ماهی شب عید در نوروز امسال برای بسیاری از خانواده‌ها میسر نباشد.

سال ۱۴۰۰ به آخرین ساعاتش رسید تا قرنی پرتلاطم در ایران به پایان برسد؛ سالی که سیر حوادث در آن به‌ویژه اعتراض و اعتصاب کارگران و معلمان و دانشجویان و کانون نویسندگان و خیزش مردمی در اعتراض به بی‌آبی خوزستان و ... بسیار شتابان بود.

حمله سایبری به پمپ‌بنزین‌ها، هک‌شدن تصاویر دوربین زندان‌ها و موج پنجم گسترده همه‌گیری کرونا که کشته‌های فراوانی به جا گذاشت، نیز از وقایع مهم پاییز بودند.

زمستان ۱۴۰۰ را باز هم باید در تداوم سرکوب‌های گسترده فعالان سیاسی و مردم معترض دید. مرگ بکتاش آبتین، زندانی سیاسی و عضو کانون نویسندگان ایران که به دلیل اعزام نشدن به‌موقع از زندان به بیمارستان رقم خورد، از نظر جامعه قتل عمد مخالفان حکومت ارزیابی شد. تصویر این شاعر که در اوج بیماری با پابند به تخت بسته شده بود، از نمادین‌ترین تصاویر مبارزات مدنی مردم ایران است.

سفر پرحاشیه و تحقیرآمیز ابراهیم رئیسی به روسیه، آزادی نازنین زاغری و انوشه آشوری هم از دیگر حوادث مهم زمستان ۱۴۰۰ بودند.

در سالی که گذشته جنگ‌های نهان و آشکار حکومت اسلامی ایران و حکومت اسرائیل در جبهه‌های مختلف تشدید شد. بیست و سوم فروردین تصویری از بهروز کمالوندی، سخن‌گوی سازمان انرژی اتمی حکومت اسلامی ایران، روی تخت بیمارستان منتشر شد. در خبرها آمده بود که کمالوندی هنگام بازدید از محل حادثه ۲۲ فروردین در این تاسیسات، داخل یک دودکش به عمق بیش از هفت متر سقوط کرده و هر دو پایش شکسته است. آن زمان به‌طور دقیق مشخص نبود که در نطنز چه اتفاقی افتاده و مقام‌ها فقط از «حادثه» و «آتش‌سوزی» در نطنز سخن گفته بودند. اما یک روز بعد ایران از «تروریسم هسته‌ای» به جامعه بین‌الملل شکایت کرد.

چند هفته پیش فاش شد تحلیل‌گر و نویسنده‌ای یهودی فرانسوی-بریتانیایی که برای سایت آیت‌الله خامنه‌ای مطلب می‌نوشته و در رسانه‌های ایران به عنوان تحلیل‌گر مدافع دیدگاه‌های حکومت اسلامی حضور فعال داشته، اکنون دیگر حجاب به سر ندارد و در رسانه‌های بیرون ایران منتقد سران حکومت اسلامی ایران است و می‌گوید مقام‌های این کشور به دنبال ساختن بمب هسته‌ای هستند. افشای حضور کاترین شکم در ایران و نزدیک شدن او به سران و چهره‌های سیاسی ایران باعث موجی از انتقادات در رسانه‌های داخل کشور شد که او را «جاسوس» معرفی کردند. با این حال خود خانم شکم می‌گوید جاسوس نیست و برای کنجکاوی به ایران رفته بوده است.

آرای باطله در انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر ۱۴۰۰ در خردادماه رای دوم بود. حتی در بعضی از شهرها مانند اهواز، همدان، کرج و اراک میزان آرای باطله بیش‌تر از رای نفر اول شورا شد. در انتخابات ریاست جمهوری امسال میزان آرای باطله طبق آمار رسمی ۱۳ درصد کل آرا بود در حالی که در انتخابات‌های قبلی این میزان به ترتیب ۲۰۹، ۳۰۴ و ۱ درصد بوده است. میزان و گستردگی تحریم انتخابات از دلایل این شگفتی اعلام شده بود. آمار شرکت‌کنندگان به حدی پایین بود که حکومت مجبور شد اعلام کند مرکز رای‌دهی تا نیمه شب باز هستند.

در مرداد حسین سلامی، فرمانده سپاه بار دیگر ضمن مخالفت با واردات واکسن، گفت ممکن است آمریکا بخواهد یک «محلول فلج‌کننده» به ایران بدهد و مردم را دچار مشکل کند. یک ماه قبل از سخنان سلامی، رهبر ایران در تغییر موضعی نسبت به سخنان قبلی خود گفت زدن واکسن خارجی در کنار واکسن ایرانی ایراد ندارد در حالی که سال قبل از آن ورود واکسن‌های بریتانیایی و آمریکایی را ممنوع کرده بود.

مهرماه مشرق‌نیوز خبر داد که دادگاهی در تهران حکم داده چشم یک متهم ۴۵ ساله کور شود. این حکم قصاص مربوط به درگیری در قشم میان دو همسایه بود که یکی از آنها یک چشم خود را از دست داده بود. حکم قطع دست، انگشت و پا در دهه گذشته بارها اجرا شده است از جمله متهمی که سال ۱۳۹۶ در عادل‌آباد شیراز ابتدا دستش قطع و سپس اعدام شد.

پدر سه فرزند آبان‌ماه به‌خاطر سرقت سه بسته بادام هندی به ۱۰ ماه زندان و ۴۰ ضربه شلاق محکوم شد. صاحب مغازه شکایت کرده بود. فیلم دوربین مداربسته مغازه را به مظنون نشان دادند و او بدون دفاع، جرمش را پذیرفت؛ مردی ۴۵ ساله که سه فرزند دارد. رسانه‌های ایران بارها این حکم را با مجازات مقام‌هایی که در اختلاس‌های چند صد میلیاردی مجرم شناخته شده‌اند، مقایسه کردند...

سال ۱۴۰۰ در کنار تمام این حوادث، سال ویرانی سفره معیشت مردم ایران هم بود. سالی که اقتصاد ورشکسته هر روز بیش از پیش فشار اقتصادی کمرشکنی بر مردم وارد کرد و جیب‌های خالی آنان را به مصاف هزینه‌های گزاف زندگی فرستاد.

صندوق بازنشستگی کشوری اعلام کرد که از یک میلیون و ۶۰۰ هزار بازنشسته؛ تنها ۵۰۰ هزار نفر حقوق آخر سال را دریافت کرده‌اند. یک میلیون نفر هنوز منتظر دریافت حقوق‌هایشان در آخر سال هستند. این صندوق دو روز پیش اعلام کرده بود در صدد پرداخت مابقی حقوق‌های بازنشستگان است، وعده‌ای که تا به امروز عملی نشده است.

در حالی که قیمت اجناس مورد نیاز مردم در ایام عید، بسیار سرسام‌آور است. برای مثال قیمت هر شانه تخم مرغ در سطح شهر بین ۵۷ تا ۷۰ هزار تومان متغیر است.

حکومت اسلامی ایران، بودجه‌های هنگفتی را برای تشدید اختناق و سانسور، فیلترینگ و کنترل فضای مجازی اختصاص داده است.

همین هفته وبسایت تجارت نیوز نوشت: «سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر فضای مجازی»، که از آن با عنوان اختصاری «ساترا» نام برده می‌شود، سال آینده، ۱۱ هزار میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان بودجه دریافت می‌کند تا این سازمان که زیرمجموعه صدا و سیما است بر «محتوای تولید شده در فضای مجازی نظارت کند».

در خبر دیگر دولت بودجه سال آینده وزارت ارتباطات را از ۵ هزار میلیارد تومان به ۱۴ هزار میلیارد تومان افزایش داده که ۹ هزار میلیارد تومان آن برای طراحی و راه اندازی «شبکه اینترنت ملی» حکومت است. مرکز پژوهش‌های مجلس در اردیبهشت امسال برآورد کرده بود تا سال گذشته حدود ۱۹ هزار میلیارد تومان صرف ایجاد «اینترنت ملی» شده که عملاً پیشرفت و کارایی نداشته است.

جمع همین رقم‌ها بالای ۲۵ هزار میلیارد تومان است که از سه ماه یارانه کل کشور که تجارت نیوز مطرح کرده بسیار فراتر می‌رود.

بنا به ادعای ابراهیم رئیسی تا پایان سال ۱۴۰۰ فقر مطلق در ایران دیگر وجود نخواهد داشت. وزارت کار ایران مهر ماه سال ۱۴۰۰ اعلام کرد که یک سوم جمعیت ایران در فقر مطلق به سر می‌برند. رویکرد غیر واقع‌بینانه مقامات و تکرار حرف‌های کلی و ناکارآمدی پیوسته در برطرف کردن فقر در ایران، بیش از پیش بر «ناامیدی» این بخش بزرگ از جامعه‌ای که مجبور به زیستن در «فقر مطلق» هستند، دامن می‌زنند. ناامیدی از آن‌چه «آینده» می‌نامند.

در سطح جهانی نیز قیمت بنزین و گاز و آب و نان در کشورهای جهان به‌ویژه خاورمیانه به‌دلیل پیامدهای جنگ در اوکراین و به‌ویژه مختل شدن بازار عرضه گندم به سرعت در حال افزایش است. چنین افزایش قیمتی در گذشته منجر به بروز اعتراضات ناآرامی‌های سیاسی شده بود.

اعتراض‌ها به افزایش قیمت گندم و غلات در خاورمیانه آغاز شده‌اند. در هفته گذشته صدها تظاهرکننده در جنوب عراق، در مرکز شهر ناصریه تجمع کردند تا به قیمت بالای نان و روغن خوراکی و سایر کالاهای اساسی اعتراض کنند. از آغاز جنگ در اوکراین، قیمت محصولات وارداتی به عراق تا ۵۰ درصد افزایش یافته است.

این هفته در سودان هم هزاران نفر در اعتراض به حاکمیت نظامیان و همچنین افزایش ۵۰ درصدی قیمت نان به خیابان‌ها آمدند.

اوکراین انبار محصولات کشاورزی و و یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان گندم در جهان و همچنین بزرگترین صادرکننده روغن گیاهی است.

حدود نیمی از گندم اوکراین به خاورمیانه می‌رود. این در حالی است که خود روسیه هم یکی از بزرگترین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی دنیا، از جمله گندم است.

تحلیل‌گران بازار می‌گویند که عرضه گندم از هر دو کشور به دلیل جنگ، در خطر است. و این بی‌ثباتی باعث می‌شود قیمت گندم به‌طور چشمگیری افزایش یابد.

قیمت‌ها تنها در چند هفته ۵۰ درصد افزایش یافته و به بالاترین حد خود در ۱۴ سال گذشته رسیده است. تاثیر این افزایش قیمت را از هم‌اکنون می‌توان بر کشورهای خاورمیانه دید.

پروفسور مایکل تانچوم، کارشناس ارشد شورای اروپا در روابط خارجی و متخصص در اقتصاد سیاسی خاورمیانه و آفریقا، در این‌باره می‌گوید: «در این کشورها، نان مقرون به‌صرفه برای توده‌های کارگر یک قرارداد اجتماعی است. بسیاری از کشورهای خاورمیانه به خانواده‌های کم درآمد برای دریافت نان یارانه می‌دهند».

وی در ادامه می‌گوید: «در گذشته، افزایش قیمت نان محرک تغییرات سیاسی در منطقه بود.

در سال ۲۰۱۱، در جریان انقلاب‌های «بهار عربی»، یکی از شعارهای مردمی در تظاهراتی که رژیم حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر را سرنگون کرد، این بود: «نان، آزادی، عدالت اجتماعی».

تحلیل‌گران موسسه خاورمیانه مستقر در واشنگتن معتقد هستند که افزایش قیمت انرژی و افزایش قیمت مواد غذایی که بحران اوکراین به آن‌ها دامن زده است، می‌تواند به اعتراضات مجدد در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا منجر شود.

سازمان ملل متحد روز شنبه ۱۹ مارس ۲۰۲۲ اعلام کرد که بیش از ۳/۳ میلیون پناهنده از اوکراین از زمان تهاجم روسیه به این کشور گریخته‌اند، در حالی که تصور می‌شود نزدیک به ۶/۵ میلیون نفر در داخل کشور آواره شده‌اند. ۲۰ مارس روز جهانی شادی است که توسط سازمان ملل متحد اعلام شده است. امسال این مناسبت در حالی فرا می‌رسد که در روزهای گذشته ابعاد جنگ در اوکراین گسترده‌تر شده و شمار قربانیان این جنگ در بیست و پنجمین روز خود به هزاران نفر رسیده است.

بر پایه اعلام این نهاد بین‌المللی، در حال حاضر ۹۷ درصد مردم افغانستان زیر خط فقر قرار دارند و اگر قدرت‌های جهانی به بحران گرسنگی در این کشور توجه نکنند، قربانیان قحطی در افغانستان بیش‌تر از تلفات جنگ در ۲۰ سال اخیر خواهد بود.

در حالی که تمام دولت‌های سرمایه‌داری جهان مستقیم در جنگ‌افروزی و قحطی و گرسنگی و آوارگی مردم جهان نقش مستقیم دارند.

در هر صورت انسان‌های آزاده و ضدجنگ و خشونت و استثمار نباید در یکی از این جبهه‌های جنگ قرار گیرند بلکه باید با صدای بلند خواهان قطع جنگ و حمایت از آوارگان جنگی شوند که در کشورهایی همچون سوریه، یمن، افغانستان، اوکراین و... وجود دارد.

گرانی اجناس مورد نیاز مردم در بازار

رئیس اتحادیه قنادان مشهد به ایسنا گفته است: «روغنی که سال گذشته در بازار آزاد کیلویی ۳۰۰ هزار تومان بود، امسال کیلویی حدوداً ۸۵۰ هزار تومان می‌خریم. شکر در بازار آزاد در سال گذشته کیلویی تقریباً ۱۰ هزار تومان خریداری می‌شد اما امسال این قیمت به نزدیک ۲۱ هزار تومان و قیمت شکر دولتی نیز از کیلویی ۶۰۰۰ تومان به حدود ۱۳ هزار تومان رسیده است.»

قیمت تخم مرغ نیز به شانه‌ای ۵۵ هزار تومان رسیده است. با این شرایط جای تعجب ندارد اگر قیمت شیرینی نسبت به سال قبل افزایش چشمگیر داشته باشد.

رئیس اتحادیه قنادان مشهد گفته است، قیمت شیرینی خوب امسال از کیلویی ۶۰ هزار تومان به بالا است.

در حال حاضر ارزان‌ترین ماهی در بازار، ماهی قزل‌آلاست که معمولاً برای غذای شب عید استفاده نمی‌شود. این ماهی در حال حاضر کیلویی ۶۰ هزار تومان است. ماهی سفید شمال کیلویی ۱۳۰ هزار تومان، ماهی شوریده جنوب بین ۲۸۰ تا ۳۰۰ هزار تومان برای هر کیلو و ماهی حلوا سفید کیلویی ۴۰۰ هزار تومان است.

سفره هفت‌سین و میز پذیرایی از میهمانانی که باید ۱۳ روز گشوده باشد، بدون آجیل متصور نیست. حالا اما چند سالی است که قیمت بالای آجیل این کالای نوروزی را به یک کالای لوکس تبدیل کرده و برخی برای شوخی می‌گویند باید روی آجیل نوشت: فقط برای تزیین!

آجیل چهار مغز، امسال در بازار کیلویی ۳۲۰ تا ۳۵۰ هزار تومان است. آجیل شیرین که برای شب چهارشنبه سوری استفاده می‌شود و معمولاً آجیل ارزانی است امسال کیلویی ۲۵۰ تا ۲۸۰ هزار تومان قیمت داشت.

بر اساس جدول قیمتی که در سایت‌های اقتصادی داخل ایران منتشر شده، قیمت پسته خام مغز بوداده کیلویی ۵۰۰ هزار تومان، پسته اکبری کیلویی ۲۸۵ هزار تومان و پسته فندق کیلویی ۲۶۵ هزار تومان است.

تخمه ژاپنی شور یا گلپر کیلویی ۱۵۰ هزار تومان و تخمه کدوی درشت کیلویی ۱۷۵ هزار تومان است. قیمت بادام نیز از کیلویی ۱۹۰ تا ۲۲۰ هزار تومان بسته به نوع آن متغیر است.

موز با کیلویی ۳۲ هزار تومان، عملاً از سبد میوه خانوارها در حال حذف شدن است. در این میان، نوبرانه‌هایی چون توت‌فرنگی دیگر «لوکس» محسوب می‌شوند.

توت‌فرنگی که در میوه‌فروشی‌های تهران به کیلویی بیش از ۲۰۰ هزار تومان رسیده بود، حالا به دلیل پایین بودن توان خرید مردم و احتمال دورریز شدن، تا آستانه ۱۰۰ هزار تومان کاهش قیمت یافته است. اما مغازمداران می‌گویند هنوز هم کسی توان خریدش را ندارد.

بدین ترتیب کارگران و سایر مزدبگیران برای خرید دو کیلو آجیل و دو کیلو ماهی دست‌کم باید یک چهارم حقوق ماهیانه‌شان را پرداخت کنند.

جهش صادرات و سقوط اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۰

در حالی که صادرات نفت ایران هم از لحاظ حجمی و هم ارزشی دو برابر شده و صادرات غیرنفتی نیز رشدی ۴۲ درصدی در سال ۱۴۰۰ نسبت به پارسال دارد، اما شاخص‌های کلان اقتصادی ایران کماکان سیر قهقرای را طی می‌کند.

آمارهای رسمی کشور نیز نشان می‌دهد متوسط نرخ ارز، تورم، کسری بودجه، فقر و کسری آب، برق و گاز کشور روند افزایشی طی کرده و در برخی موارد به مرحله بحران رسیده که هیچ نوری در انتهای تونل دیده نمی‌شود.

آمارهای شرکت‌های ردیابی نفتکش‌ها، از جمله شرکت اطلاعات داده «کپلر» نشان می‌دهد از فروردین امسال تا روزهای پایانی سال ۱۴۰۰ متوسط صادرات روزانه نفت خام ایران روزانه ۷۰۰ هزار بشکه بوده که بیش از دو برابر پارسال است. همچنین آمارهای اوپک نشان می‌دهد قیمت نفت ایران (بدون در نظر گرفتن تخفیف و هزینه دور زدن تحریم‌ها) حدود ۷۵ دلار بوده که تقریباً دو برابر سال ۱۳۹۹ است. به عبارتی اگر تغییرات قیمت و حجم نفت صادراتی ایران را روی هم بگذاریم، درآمدهای صادرات نفت خام کشور چهار برابر سال ۱۳۹۹ شده است.

البته وزیر نفت ایران ۲۴ اسفند گفت که درآمدهای صادرات نفت ایران در سال جاری ۲/۵ برابر شده است. این موضوع نشان می‌دهد تقریباً یک سوم درآمدهای نفتی کشور صرف ارائه تخفیف و هزینه دور زدن تحریم‌ها یا هزینه واسطه‌ها برای تهاثر نفت ایران با کالاهای وارداتی می‌شود.

البته ایران به غیر از نفت خام، روزانه حدود نیم میلیون بشکه صادرات محصولات نفتی مانند نفت کوره، گازوئیل، بنزین و غیره نیز دارد که اگرچه از لحاظ وزنی رشدی نداشته، اما همپای نفت خام، افزایش قیمت داشته است.

در حوزه صادرات غیرنفتی، آمارهای گمرکی نشان می‌دهد اگرچه صادرات غیرنفتی کشور در ۱۱ ماه ابتدایی سال از لحاظ وزنی افزایشی نداشته، اما تحت تاثیر جهش قیمت نفت، از لحاظ ارزشی ۴۲ درصد رشد داشته است.

نیمی از صادرات غیرنفتی کشور مربوط به محصولات پتروشیمی، فلزات و مواد معدنی می‌شود که قیمت آن‌ها در بازارهای جهانی در سال جاری خورشیدی هم‌تراز با رشد قیمت نفت، افزایش یافته است.

برای نمونه آمارهای گمرکی نشان می‌دهد که در ۱۱ ماه ابتدایی سال ۱۸/۵ میلیون تن صادرات محصولات نفتی انجام شده که حتی یک میلیون تن کمتر از دور مشابه پارسال است، اما درآمدهای صادرات محصولات پتروشیمی در سال جاری به ۱۰/۷ میلیارد دلار رسیده که ۷۰ درصد بیش‌تر از دور مشابه پارسال است.

این موضوع نه تنها در مورد محصولات معدنی و فلزات، بلکه حتی در مورد محصولات کشاورزی نیز صادق است. صادرات محصولات کشاورزی ایران در ۱۱ ماه ابتدایی امسال هیچ رشدی نسبت به دور مشابه پارسال نداشته، اما از لحاظ ارزشی نزدیک ۴۰ درصد رشد داشته و به ۷/۶ میلیارد دلار رسیده است.

با وجود چنین رشدی در درآمدهای صادراتی، متوسط نرخ ارز در کشور طی سال جاری خورشیدی نسبت به سال گذشته حدود ۱۳ درصد رشد داشته و نرخ هر دلار آمریکا به ۲۶ هزار تومان رسیده است.

از طرفی حتی در آمارهای رسمی، در حالی که پارسال نرخ تورم در ایران حدود ۳۴ درصد بود، امسال به حدود ۴۱ درصد رسیده است.

همچنین تحلیل نهادهای حکومتی، مانند مرکز پژوهش‌های مجلس و دیوان محاسبات نشان می‌دهد حدود ۶۵۰ هزار میلیارد تومان از بودجه سال ۱۴۰۰ تحقق نخواهد یافت که رقمی بی‌سابقه است.

در این میان، نرخ سبد معیشت خانوارها به ۱۲ میلیون تومان رسیده که تقریباً دو برابر پارسال است و به‌معنی فقیرتر شدن هر چه بیش‌تر مردم ایران است.

بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم و کسری بودجه کشور با وجود رشد چشمگیر درآمدهای صادراتی نشان می‌دهد که افزایش درآمدهای ارزی و حتی لغو تحریم‌ها الزاماً به‌معنی بهبود زندگی مردم نیست و تحقق چنین امری نیاز به تغییرات ساختاری در اقتصاد و مدیریت کشور، مبارزه بی‌امان با فساد و رانت و همچنین شفافیت اقتصادی دارد که اصولاً با توجه به ساختار کنونی جمهوری اسلامی امری ناممکن است.

برای نمونه، اخیراً بنیاد آمریکایی «هریتیج» در گزارش جدید خود از افت ۴/۸ پله‌ای شاخص آزادی اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال قبل آن خبر داد و اعلام کرد ایران به جایگاه ۱۱۷۰ در میان ۱۷۷ کشور از لحاظ آزادی اقتصادی سقوط کرده است.

با روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی و باز شدن میدان برای جولان سپاه و نهادهای تحت نظارت رهبری که کمترین اطلاعاتی درباره فعالیت اقتصادی آن‌ها منتشر نمی‌شود، انتظار می‌رود اقتصاد کشور و معیشت مردم هرچه بیشتر در باتلاق فساد و فقر گرفتار شود.

حتی با وجود لغو تحریم‌ها، ایران در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی قرار دارد که برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم فعالیت می‌کند و جمهوری اسلامی کماکان زیر بار قوانین و تعهدات این نهاد نمی‌رود.

امسال برای اولین بار کسری برق کشور از اوایل بهار آغاز شد تا زمستان ادامه یافت و کسری گاز کشور از نیمه تابستان آغاز شد و احتمالاً تا نیمه بهار ادامه یابد. همچنین بحران کم‌آبی کشور عمیق‌تر شده است.

آمارهای وزارت نیرو نشان می‌دهد پارسال تولید برق از نیروگاه‌های آبی کشور ۲۸ درصد نسبت به سال ۹۸ افت کرده بود و در ۱۱ ماه ابتدایی امسال دوباره ۴۴ درصد افت داشته است.

همچنین پارسال تنها نیمی از اهداف رشد تولید برق کشور محقق شد و تنها ۱۸۶۸ مگاوات نیروگاه جدید راه‌اندازی شد، اما در ۱۱ ماه ابتدایی امسال این رقم حتی به هزار مگاوات نیز نرسید که کمترین میزان رشد تولید برق در دهه‌های گذشته، به استثنای سال ۱۳۹۴ است.

پارسال دولت برای جبران کسری برق، واردات آن را بیش از دو برابر کرد و امسال نیز دوباره واردات برق ۱۰ درصد رشد کرد و از طرفی صادرات برق ۴۲ درصد کاهش یافت. با این حال باز هم کسری برق و خاموشی‌ها تا زمستان ادامه یافت که امری بی‌سابقه است.

تنها حوزه آب و برق نیست که با بحران مواجه شده، بلکه ایران بب وجود دارا بودن جایگاه دوم جهان از لحاظ ذخایر گازی، زمستان امسال با کسری روزانه ۲۵۰ میلیون متر مکعب کسری گاز (معادل کل مصرف گاز ترکیه) مواجه شد، در حالی که این رقم در زمستان سال ۱۳۹۹ حدود ۱۳۰ میلیون متر مکعب در روز بود.

ایران برای جلوگیری از کسری برق باید ظرفیت عملی نیروگاه‌های برقی خود را ۲۵ درصد و تولید گاز کشور را نیز تا همین حدود افزایش دهد که به معنی صرف نزدیک ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه و صرف حداقل پنج سال زمان و جلب گسترده شرکت‌های بین‌المللی است. انجام چنین کاری شبیه معجزه است.

اگر چنین کاری انجام نشود، بحران انرژی در کشور سال به سال افزایش خواهد یافت؛ چرا که مصرف انرژی کشور بصورت طبیعی سالانه ۵ تا ۷ درصد افزایش می‌یابد.

آثار افزایش ۵۷ درصدی حداقل دستمزدها در ایران

شورای عالی کار پس از ۱۵ ساعت مذاکره و چانه‌زنی نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت سرانجام هفته گذشته با افزایش ۵۷/۴ درصدی حداقل دستمزد کارگران برای سال آینده موافقت کردند.

با توافق شرکای اجتماعی بر سر میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران، این رقم از دو میلیون و ۶۵۵ هزار تومان در سال آینده به ۴ میلیون و ۱۷۹ هزار تومان افزایش می‌یابد.

در این جلسه شورای عالی کار مبلغ حق مسکن و بن خواربار نیز تعیین شد و رقم بن خواربار کارگران به ۸۵۰ هزار تومان رسید و حق مسکن نیز ۶۵۰ هزار تومان تعیین شد، دیگر مصوبه مهم شورای عالی کار افزایش ۳۸ درصدی سایر سطوح مزدی به جز حداقل‌بگیران بود.

با این حساب، دریافتی یک کارگر حداقل‌بگیر متاهل با یک فرزند به حدود شش میلیون و ۳۰۷ هزار و ۷۲۵ تومان خواهد رسید.

در حالی که رقم هزینه سبد معیشت خانوارهای کارگری در شورای عالی کار ۸ میلیون و ۹۷۹ هزار تومان تعیین شده است و با این حساب درآمد یک خانوار کارگری سه نفره حداقل‌بگیر حدود ۲۹ درصد از سبد معیشت تعیین شده کمتر است.

نمایندگانی که نمایندگان واقعی و انتخابی کارگران ایران نیستند حتی ترجیح می‌دهند به جای «افزایش حداقل دستمزد» از ترکیب واژگانی «ترمیم قدرت خرید از دست رفته» استفاده کنند که در بطن خود بیانگر عقب‌ماندگی افزایش دستمزد کارگران از نرخ تورم‌های سالانه و افت قدرت خرید آن‌ها طی چهار دهه گذشته است.

در مقابل نمایندگان کارفرمایی، افزایش بیش از ۵۷ درصدی حداقل دستمزدها و رشد ۳۸ درصدی سایر سطوح مزدی را به معنای افزایش هزینه‌های تولید و فعالیت‌های اقتصادی تلقی کرده و بر این باورند که با این افزایش هزینه‌ها شمار زیادی از بنگاه‌ها به مرز زیان‌دهی رسیده و فعالیت خود را متوقف خواهند کرد یا این‌که برای جبران این هزینه‌های اضافه شده راه تعدیل نیروی کار را انتخاب می‌کنند. در هر صورت منافع کارفرمایان و سرمایه‌داران مدنظر حاکمیت است نه کارگران.

با این وجود بر اساس آمار رسمی بیش از ۶۰ درصد از کارگران در ایران در مشاغل غیررسمی مشغول به کار هستند به این معنا که یا از اساس قراردادی ندارند و با توافقی بینابین با کارفرمایان فعالیت می‌کنند یا این‌که تن به قراردادهایی داده‌اند که به مفاد قانون کار یا استانداردهای یک قرارداد کاری ارتباطی ندارد.

با این حال تعیین حداقل دستمزد و همچنین رقم هزینه سبد معیشت اتفاق مهمی است از آن‌رو که متری و معیاری است برای بازار کار و روابط کارگران و کارفرمایان که دست‌کم بدانند وضعیت کاری آن‌ها با حداقل‌های تعیین شده چه فاصله‌ای دارد. نهادهای کارگری می‌گویند که اگر دستمزد کارگران ۱۲ و ۱۳ میلیون در ماه باشد باز هم در حد خط فقر خواهد بود.

نکته دوم که می‌توان به آن اشاره کرد تأیید عقب‌ماندگی افزایش حداقل دستمزدها نسبت به نرخ تورم در چهار دهه گذشته است، ضمن آن‌که حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران در هیچ سالی حتی نیمی از میانگین هزینه‌های یک خانوار شهری را پوشش نداده است.

بر اساس آمارهای رسمی ۷۹ درصد از اشتغال در ایران در بنگاه‌های متوسط و کوچک شکل گرفته است و همین سهم بالای بنگاه‌های خرد در اقتصاد ایران می‌تواند تأثیر افزایش دستمزدها را بر روند فعالیت‌های اقتصادی تشدید کند.

محمدرضا نجفی‌منش، رییس کمیسیون بهبود محیط کسب و کار اتاق بازرگانی تهران، اثر میزان افزایش مزد بر هزینه‌های واحدهای تولیدی را تا ۲۰ درصد اعلام کرده است حالی آن‌که علی حسین رعیتی‌فرد، معاون وزیر کار معتقد است که افزایش دستمزد، حداکثر ۵ درصد بر هزینه‌های تولید اثر خواهد داشت.

البته این اعداد و ارقام را باید با ملاحظات مربوط به اغراق‌ها و بزرگ‌نمایی‌های معمول طرف‌های چالش مزد در نظر گرفت.

مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهند که اثر تورمی افزایش دستمزدها در مقابل دیگر عوامل ساختاری تورم را چندان قابل توجه نیست، ریشه اصلی تورم در ایران، پولی است که از رشد نقدینگی عمدتاً ناشی از فساد و کسری بودجه دولت و روش‌های جبران آن ریشه می‌گیرد.

در این توافق دو طرف از شرکای اجتماعی، مسئولیت کنترل نرخ تورم و ایجاد ثبات در فضای اقتصاد کلان بر عهده ضلع سوم یعنی دولت است.

سیستم مالی مخفی و پول‌شویی بی‌سابقه حکومت اسلامی ایران

روزنامه وال‌استریت ژورنال با ارائه جزییاتی از سیستم مالی مخفی حکومت اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها، گزارش داد که مقامات ایران قصد دارند این سیستم را به بخش دائمی اقتصاد ایران تبدیل کنند تا معاملات از نظارت خارجی در امان باشد.

گزارش وال‌استریت ژورنال بر اساس گفته‌های چند دیپلمات غربی، مقام‌های اطلاعاتی و برخی اسناد تهیه شده و روز جمعه ۲۷ اسفند منتشر شد.

به‌نوشته این روزنامه، سیستم مخفی‌ای که ایران برای دور زدن تحریم استفاده کرد شامل حساب‌های بانکی خارجی، شرکت‌های وکالتی ثبت‌شده در خارج کشور و یک اتاق پایپای معاملات در داخل ایران است.

یکی از مقام‌های غربی به وال‌استریت ژورنال گفت که این سیستم «یک عملیات بی‌سابقه پول‌شویی دولتی» است.

بر اساس این گزارش، شرکت‌های تحریم‌شده ایران اقدام به ایجاد شرکت‌هایی در خارج از کشور با عناوین مختلف می‌کنند و این شرکت‌های پوششی نفت و کالاهای دیگر را می‌فروشند و پول آن را به حساب‌هایی در خارج واریز می‌کنند.

بخشی از این پول‌ها به صورت نقد به ایران قاچاق می‌شود و بخشی نیز در حساب‌های بانک‌های خارجی باقی می‌ماند. وال‌استریت ژورنال در این میان از سیستم بانک مرکزی ایران برای مبادله ارز بین واردکنندگان و صادرکنندگان به‌عنوان یکی از راه‌های ورود این پول‌ها به ایران نام برده است.

از سال ۱۳۹۷ و پس از خروج آمریکا از برجام و بحران ارزی، صادرکنندگان موظف به عرضه ارز در سامانه نیما (نظام یکپارچه معاملات ارزی) شدند.

وزارت دفاع حکومت اسلامی سامانه نیما را برای تامین منابع ارزی و ریالی مورد نیاز سپاه قدس به خدمت گرفته و برای این منظور در حجم ده‌ها میلیون دلار و یورو از صرافی‌های مختلف استفاده می‌کند.

وال‌استریت ژورنال به نقل از مقام‌های غربی نوشته مقام‌های حکومت اسلامی به دلیل موفقیت سیستم مالی مخفیانه‌ای که در این سال‌ها ایجاد شده، قصد دارند آن را به بخش دائمی اقتصاد ایران تبدیل کنند.

در این گزارش اشاره‌ای به شرکت‌های تاسیس شده در خارج از ایران یا جزییات اقدامات آن‌ها نشده است. وال‌استریت ژورنال نوشته نمایندگی ایران در سازمان ملل حاضر نشد به درخواست این نشریه برای اظهار نظر در این باره پاسخ بدهد.

مقام‌های حکومت اسلامی ایران پیش از این به‌انجام اقدامات مختلف برای دور زدن تحریم‌های آمریکا اذعان کرده‌اند و برخی از افراد نیز در اروپا و آمریکا به اتهام نقش داشتن در دور زدن تحریم‌ها بازداشت شده‌اند.

همچنین در چند سال اخیر دولت اسلامی ایران محموله‌های نفت خام را در اختیار برخی افراد و نهادها گذاشته است تا آن‌ها از طریق دور زدن تحریم‌ها این محموله‌ها را بفروشند.

مجلس شورای اسلامی نیز در جریان بررسی بودجه ۱۴۰۱، مصوباتی را برای تحویل نفت خام به سپاه پاسداران تصویب کرد؛ از جمله بر اساس یک مصوبه، نفت خام به ارزش چهار میلیارد و ۵۰۰ میلیون یورو در اختیار «اشخاص» قرار می‌گیرد تا آن را بفروشند و برای هزینه‌های نظامی صرف شود. این مبلغ علاوه بر بودجه نظامی حکومت اسلامی ایران است.

فقر و بیکارسازی‌ها و کار کودکان

آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای دولتی ایران می‌گویند در حال حاضر جمعیتی بین ۲۸ تا ۳۰ میلیون نفر زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. چنین عددی یعنی یک سوم از جمعیت فعلی ایران پول کافی را برای پرداخت هزینه‌های مربوط به غذا، سرپناه و قبض‌های ماهانه ندارند.

از سوی دیگر تشدید تا آن زمان بی‌سابقه خصوصی‌سازی‌ها، موجی گسترده از اخراج‌ها را به راه انداخت. در چنان وضعیتی کارخانه‌ها را با انگیزه‌هایی مختلف، از جمله به‌هدف ساخت و ساز، تعطیل می‌کردند.

در شش ماه نخست آن سال بیش از ۲۳۰ هزار کارگر از کار بیکار شدند. در شرایطی که شماری قابل توجه از جمعیت کشور یا کارشان را از دست می‌دادند یا به کارگرهایی روزمزد تبدیل شده بودند، برنامه‌ها و طرح‌هایی به اجرا درمی‌آمد که گران‌تر شدن زندگی مردم را در پی داشت. خبرسازترین‌شان طرح تحول اقتصادی بود که آزادسازی

قیمت‌ها جزو هدف‌های اصلی‌اش به حساب می‌آمد. برخی ناظران اقتصادی در آن روزها هشدار می‌دادند اجرای طرح تحول اقتصادی «افزایش شدید تورم و گرانی» را در پی خواهد داشت.

حرفشان درست درآمد! مجموعه‌ای از بیکاری و گرانی لایه‌هایی از جامعه را به خاک سیاه نشاند. فعال‌های کارگری در همان زمان می‌گفتند در چهره بخش‌هایی از طبقه کارگر ایران آثار سوء تغذیه دیده می‌شود - «ناامنی غذایی» می‌رفت تا برای فقرا و طبقه کارگر ایران به مسئله‌ای جدی تبدیل شود.

مجموع آن اقدامات دورانی تازه و نظم اجتماعی جدیدی را به جامعه ایران تحمیل کرد. تعمیق بی‌سابقه شکاف‌های طبقاتی و فقیر شدن طبقه متوسط از پیامدهای این دوران تازه بود. از جمله نشانه‌های قابل مشاهده این فقر اقتصادی، سرایت پدیده کار کودکان از طبقه کارگر به لایه‌هایی از طبقه متوسط بود.

حالا با گذشت بیش از یک دهه از آن تاریخ می‌توان حضور کودکان کار را در میان طبقه متوسط ایران با وضوح بیشتری دید. کودکانی که این روزها در شبکه‌های اجتماعی، خاصه اینستاگرام، برای والدین‌شان پول می‌سازند، نمونه‌هایی هستند از کودکان کار طبقه متوسط ایران. آرات حسینی از مشهورترین‌های این گروه از کودکان است.

والدین آرات بر تن فرزندشان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و با تمرین‌هایی طاقت‌فرسا بدنی ورزیده از جنس بدن عضلانی بزرگسال‌ها برایش ساخته‌اند. پدرش می‌گوید پیشتر کاسبی خرده‌پا بوده است در بازار تره‌بار. حالا ولی شغلش را «پدر آرات بودن» می‌داند. چنین کودکی با هر متر و معیاری در دسته کودکان کار می‌گنجد.

تحلیل شرایط فعلی نشان از پابرجایی عوامل سازنده و تشدید کننده کار کودکان دارد. در خبرها می‌خوانیم فقر، در مقام اصلی‌ترین عامل کار کودکان، جمعیت بیشتری را به کام خویش می‌کشد. در روزهای اخیر شورای عالی کار ایران حداقل حقوق را پنج میلیون و ۶۷۹ هزار تومان تعیین کرد. میانگین هزینه زندگی در ایران اما بیش از هشت میلیون تومان تخمین زده می‌شود.

در عین حال برخی اقتصاددان‌ها پیش‌بینی می‌کنند در سال آینده «نرخ تورم می‌تواند به اوج‌های تازه‌ای برسد.» داده‌های موجود نیز از ناامنی گسترده شغلی حکایت دارد.

در جریان مناظره‌های انتخابات خرداد ۱۴۰۰، برخی نامزدها اشاره کردند ۶۰ درصد از مشاغل ایران شغل‌های روزمزد هستند. پیش‌تر نیز علی خضریان، از اعضای کمیسیون اصل ۹۰ مجلس یازدهم، در ارتباط با عدم ثبات شغلی در ایران چنین گفته بود:

«امروز قریب به ۱۴ میلیون کارگر از نداشتن قرارداد قطعی و فقدان امنیت شغلی رنج می‌برند.»

از طرف دیگر سیاست‌های جمعیتی کشور به گسترش پدیده کار کودکان دامن می‌زند.

سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی زمینه تولید و گسترش فقر را فراهم می‌کند. سیاست‌های جمعیتی شمار فقرا را افزایش می‌دهد و در نهایت کودکان فقیر، به‌شکلی سیستماتیک، از نظام آموزشی حذف می‌شوند.

فایل صوتی فساد در سپاه پاسداران

در یک فایل صوتی ۴۹ دقیقه‌ای که روز ۲۲ بهمن در رادیو فردا منتشر شد، محمدعلی جعفری و صادق ذوالقدرنیا، فرمانده وقت و معاون اقتصادی وقت سپاه پاسداران، به فساد گسترده در بنیاد تعاون این نهاد و همچنین ارتباط آن با نیروی قدس، شهرداری تهران و برخی نهادهای دیگر می‌پرداختند.

در این فایل از فساد مالی و بدهی چند هزار میلیارد تومانی هولدینگ یاس به نیروی قدس صحبت شده است. هولدینگ یاس، وابسته به بنیاد تعاون سپاه، درگیر یک پرونده فساد مالی چند هزار میلیارد تومانی بود که در جریان رسیدگی به آن عیسی شریفی، معاون سابق محمدباقر قالیباف به ۲۰ سال حبس محکوم شد. در این گفتگو فاش می‌شود که قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس، به برخورد با متهمان این پرونده انتقاد داشته است. محمد علی جعفری و معاون او در این فایل صوتی از حسین طائب رییس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران به‌عنوان یکی از حامیان متهمان نام می‌برند. رمضان شریف، سخنگو و مسئول روابط عمومی کل سپاه در این باره گفت که «تخلفی در یکی از شرکت‌های وابسته به بنیاد تعاون سپاه» صورت گرفته بود و متخلفان اکنون «دوران محکومیت» خود را سپری می‌کنند.

اعتراضات در سال ۱۴۰۰

در تابستان ۱۴۰۰، همه نگاه‌ها به اعتراض‌های گسترده خوزستان معطوف شد. اعتراض‌هایی که به‌دلیل کم‌آبی به دادگاهی برای ناکارآمدی ۴۴ حکومت اسلامی ایران تبدیل شدند. این اعتراض‌ها که در اکثر شهرهای استان خوزستان فراگیر شد، به‌سرعت در استان‌های دیگر ایران همچون لرستان، اصفهان، خراسان، کردستان و آذربایجان نیز گسترش یافت.

دادخواهی و اعتراض مردم این بار هم با سرکوب خون‌بار به پایان رسید و نه‌تنها بیش از ده‌ها کشته در خیابان به‌جا گذاشت، بلکه بازداشت گسترده و کم‌سابقه خانه‌به‌خانه در اکثر شهرها و محله‌های خوزستان در ادامه به‌کشف پیکر مفقودشدگان در رودخانه‌ها منتهی شد.

شدت سرکوب‌ها در خوزستان به‌حدی بود که بعد از گذشت نزدیک به ۹ ماه، هنوز نمی‌توان تعداد دقیق بازداشت‌شدگان، کشته‌شدگان و مفقودان را اعلام کرد و جمله تاریخی پیرزن خوزستانی که فریاد زد: «چرا تیر می‌اندازی؟» به نماد تازه‌ای برای مبارزات مردمی بدل شد.

خاموشی‌های فراگیر برق، به نتیجه رسیدن پروژه تهیه واکسن و موضع‌گیری ایران در قبال قدرت گرفتن طالبان در افغانستان نیز از حوادث تابستان این سال‌اند.

در حالی که حکومت گمان می‌کرد با سرکوب وقایع خوزستان تا مدت‌ها جلوی اعتراض‌های مشابه را گرفته است، پاییز ۱۴۰۰ با اعتراض‌ها و تحصن کشاورزان و در ادامه مردم اصفهان از راه رسید.

آنچه در وقایع اصفهان بازتاب زیادی داشت، سرکوب مردمی بود که در مسالمت‌آمیزترین حالت ممکن تنها کنار زاینده‌رود چادر زده و تحصن کرده بودند. حکومت که از تکرار وقایع خوزستان وحشت داشت، همین رفتار کاملاً مدنی را نیز تاب نیاورد و تنها پس از چند روز تظاهر به‌تحمل و سعی در مهندسی کردن اعتراض‌ها، با هجوم وحشیانه به‌تحصن‌کنندگان موج تازه‌ای از سرکوب را به نمایش گذاشت.

تجمع گسترده مردم اصفهان در بستر خشک زاینده‌رود در تاریخ شهر اصفهان تصویری بی‌سابقه بود. کارشناسان معتقدند آنچه در خوزستان و سپس در اصفهان رخ داد، فصل تازه‌ای در جنبش‌های اعتراضی ایران است؛ چرا که مطالبات مردمی در این دو جنبش از دل خواسته‌های ساده و بر حق طبقه محروم، کشاورزان و روستاییان یعنی «کمبود آب» نشأت می‌گرفت.

در سه ماه زمستان، ۷۰ معلم بازداشت، احضار یا زندانی شدند

حکومت اسلامی ایران که در دهه‌های گذشته با حذف و اخراج معلمان منتقد، تشکل‌سازی و گسترده کردن گزینش و برخورد امنیتی کنش‌های اعتراضی معلمان را سخت سرکوب کرده بود، این بار نیز همانند دهه ۷۰ و ۸۰ خورشیدی به جای پاسخ‌گویی به مطالبات معلمان، راه سرکوب را برگزید.

لایحه رتبه‌بندی حقوق معلمان که با تاخیر چند ساله و در آخرین روزهای دولت حسن روحانی به مجلس رسید محرک اعتراضات گسترده معلمان در شش ماه دوم سال ۱۴۰۰ بود. معلمانی که در سال ۱۳۹۷ چند مرتبه دست به‌تحصن و تجمع سراسری زده بودند، پس از همه‌گیری کرونا و تعطیلی مدرسه‌ها امکان کنشگری در میدان را از دست دادند. شهریور ماه ۱۴۰۰ اما پس از آن‌که «بازی» دولت و مجلس بر سر لایحه رتبه‌بندی آغاز شد، به‌فاصله کوتاهی معلمان نخستین اعتراض جمعی را سازمان دادند و به‌دنبال آن سه مرتبه تحصن کردند و چندین مرتبه در شهرهای مختلف تجمع کردند.

دامنه اعتراضات معلمان به‌روایت شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان بیش از ۲۰۰ شهر و ناحیه آموزشی را در برگرفت و تا کوچک‌ترین روستاها پیش رفت و ده‌ها هزار معلم به فراخوان اعتصاب و تجمع پاسخ دادند. یورش به تجمع مسالمت‌آمیز در برخی شهرها، بازداشت معلمان و اعضای کانون‌های صنفی در شهرهای مختلف، احضار به‌مراجع امنیتی و قضایی یا «هیأت رسیدگی به‌تخلفات اداری» و محاکمه و صدور حکم زندان برای معلمان از جمله شیوه‌های برخورد حکومت با معلمان معترض بود که در پاییز و زمستان امسال «گسترده‌ترین» و «کم‌نظیرترین» اعتراض جمعی را سازمان دادند.

محمد حبیبی سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان یکم اسفند از احضار و بازداشت صدها فعال صنفی معلمان در شهرهای مختلف خبر داد. وی همچنین فاش کرد نهادهای امنیتی در تماس تلفنی با فعالان صنفی ضمن تهدید معلمان خواستار لغو تحصن و تجمع آن‌ها شده بودند.

معلمان اما به رغم گسترده‌تر شدن سرکوب سه تحصن سراسری را سازمان دادند و حداقل هفت مرتبه در بیش از ۲۰۰ شهر تجمع کردند.

در جریان این اعتراضات نیروهای امنیتی در برخی شهرها به‌معلمان معترض یورش بردند. تهران، کرج، شیراز و مریوان از جمله شهرهایی بودند که تجمع معلمان هدف حمله نیروهای امنیتی قرار گرفت.

در برخی شهرها از جمله بوکان، اهواز، مریوان و سنندج هم معلمان در روزهای منتهی به اعتصاب یا تجمع به‌نهادهای امنیتی احضار و تهدید به بازداشت در صورتی که به لغو اعتصاب اقدام نکنند، تهدید شدند. شعبان محمدی در مریوان نزدیک به یک ماه در بازداشت نهادهای امنیتی بود. در تهران هم رسول بدایق با خشونت بازداشت شد. روح‌الله (ردا) مردانی دیگر معلمی بود که در دلفان استان لرستان با خشونت ماموران امنیتی بازداشت و به زندان خرم‌آباد منتقل شد. هر سه این معلمان در حال حاضر با قرار وثیقه آزاد و منتظر تشکیل دادگاه هستند.

زمانه توانسته است نام هفتاد معلم را که در فاصله دی تا اسفند ۱۴۰۰ به‌نحوی هدف سرکوب دستگاه امنیتی قرار گرفتند را مستند کند. این فهرست ممکن است نام تمامی معلمانی که در این فاصله زمانی بازداشت، احضار، محاکمه یا تهدید شدند را در برنگیرد.

استان فارس که اعتراضات معلمان در آن پرشمارتر بود به لحاظ بازداشت، احضار و یا شکل‌های دیگر سرکوب بیش‌ترین فراوانی را دارد. زمانه توانسته بازداشت، محاکمه یا صدور حکم زندان برای یازده معلم در این استان را مستند کند.

در استان تهران نیز ۱۲ معلم شاغل و بازنشسته هدف اقدام‌های سرکوبگرانه حکومت قرار گرفتند. نصرت بهشتی معلم بازنشسته‌ای که به دلیل بیماری به مرخصی اعزام شده بود، از بیمارستان به زندان احضار شد. ابوالفضل رحیمی‌شاد، عضو کانون صنفی معلمان تهران نیز به ۱۵ ماه حبس تعلیقی و دو سال ممنوعیت از فعالیت در شبکه‌های اجتماعی محکوم شد. دستگاه قضایی جعفر ابراهیمی دیگر فعال صنفی در تهران را هم به ۴ سال و هشت ماه زندان محکوم کرد. محمد حبیبی، سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان هم با وجود این‌که به‌صورت موقت اجازه یافت به‌مدرسه بازگردد به‌دستگاه امنیتی احضار شد. چند تن دیگر از معلمان نیز در جریان تجمعات بهمن و اسفند بازداشت شدند.

در استان خوزستان نیز حداقل هشت معلم بازداشت یا به‌دستگاه قضایی احضار شده‌اند. دادگاه معلمان قرار بود در اسفند ۱۴۰۰ برگزار شود اما به تعویق افتاده است.

در استان البرز نیز بنا بر اعلام شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیروهای امنیتی به‌تجمع معلمان معترض یورش بردند و دستکم ۱۵ تن از معلمان را بازداشت کردند. بیش‌تر معلمان در همان روز بازداشت آزاد شدند اما برای آنان پرونده قضایی تشکیل شد. هویت هشت تن از معلمان بازداشت شده در کرج احراز شده است.

در سه استان کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی دستکم ۹ معلم به نحوی هدف سرکوب دستگاه امنیتی و قضایی قرار گرفتند. در استان کردستان شعبان محمدی عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان مریوان نزدیک به یک ماه در بازداشتگاه نگهداری شد. جبار دوستی نیز بازداشت و بعد از چند روز آزاد شد. لقمان افضلی در سنج به اداره تخلفات احضار شد.

در استان کرمانشاه نیز سه معلم به‌نهادهای امنیتی و دستگاه قضایی احضار شدند. همچنین سه فعال صنفی معلمان در بوکان در استان آذربایجان غربی نیز به‌دستگاه امنیتی احضار و تهدید شدند. این معلمان گفتند که از آن‌ها خواسته شده بود اعتصاب بهمن ماه را لغو کنند. خواسته‌ای که معلمان به آن تن ندادند.

در استان‌های خراسان رضوی و خراسان شمالی نیز چهار معلم بازداشت یا برای اجرای حکم به‌زندان منتقل شدند. حسین رمضان پور در استان خراسان شمالی به زندان منتقل شد. گوشی هوشمند یک معلم در نیشابور نیز توسط ماموران امنیتی ضبط شد. یک معلم در مشهد احضار و یک معلم دیگر هم بازداشت شد.

در استان قزوین هم سه تن از اعضای کانون صنفی به دادرسی احضار و به‌صورت موقت با قید کفالت ۷۰ میلیون تومانی آزاد شدند.

در استان گیلان نیز گروهی از معلمان که در همبستگی با عزیز قاسمزاده مقابل ساختمان دادگستری رودسر تجمع کرده بودند از سوی نیروهای امنیتی کتک خوردند و بازداشت شدند. تمامی این معلمان بدون قید کفالت یا وثیقه آزاد شدند.

در کهگیلویه و بویراحمد و لرستان هم دستکم سه معلم بازداشت شدند. روح‌الله (رادا) مردانی در دلفان با خشونت بازداشت شد و به قید وثیقه آزاد است. علی‌حسین بهمامین معلم یاسوجی در شیراز بازداشت شد. بختیار رضوانی هم در گچساران پس از احضار به‌دادگاه بازداشت شد. او نیز به قید وثیقه آزاد است.

در استان بوشهر دو تن از اعضای کانون صنفی بازداشت شدند. هر دو آن‌ها به‌قید وثیقه تا زمان تشکیل دادگاه آزاد هستند.

در هر یک از استان‌های کرمان، مرکزی و آذربایجان شرقی نیز دستکم یک معلم تحت تعقیب قضایی قرار گرفت. لطیف روزیخواه در استان آذربایجان شرقی که به هفت ماه زندان محکوم شده بود، به زندان رفت. فاطمه بهمنی در اراک بازداشت شد و محمدرضا بهزادپور در کرمان به‌هیأت رسیدگی به تخلفات اداری احضار شد.

بازداشت و تشکیل پرونده قضایی برای معلمان به‌گفته فعالان صنفی با هدف جلوگیری از تشکل‌یابی و ایجاد هراس در میان نومعلمان و همچنین گسترده‌تر شدن اعتراضات این گروه «مرجع» صورت می‌گیرد. جنبش معلمان ایران پس از یک دوره رکود اجباری به‌دلیل تعطیلی مدارس در دوره همه‌گیری کرونا در شش ماه گذشته در قامت «رزمنده‌ترین» جنبش اجتماعی در ایران نمایان شد و توانست توان سازمان‌دهی خود را به نمایش بگذارد.

معلمان معترض علاوه بر خواسته‌های صنفی چون اجرای کامل رتبه‌بندی و بهبود وضعیت معیشتی مطالبات دیگری که با خواسته‌های گروه‌های زیادی از جامعه در ارتباط است نیز دارند. حق آموزش رایگان و توقف خصوصی‌سازی آموزش، توقف آموزش ایدئولوژیک، آزادی معلمان زندانی و توقف پرونده‌سازی برای فعالان صنفی و حق آموزش رایگان از دیگر خواسته‌های معلمان در اعتراضات اخیر بود.

افزایش ۳۰ درصدی ترک‌تحصیل در میان دانش‌آموزان ایران

همزمان با اظهارات معاون وزیر علوم مبنی بر بیکاری ۴۴ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاه در ایران، روزنامه فرهیختگان از رشد ۳۰ درصدی نرخ ترک تحصیل در مقطع ابتدایی خبر داد. به‌گفته علی خیرالدین، معاون فناوری و نوآوری وزارت علوم، ۴۴ درصد بیکاران کشور را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند که بیش‌تر آن‌ها «فارغ‌التحصیلان کشاورزی» هستند. این آمار همزمان با افزایش میزان مهاجرت نخبگان دانشگاهی ایرانی منتشر می‌شود که در سال‌های اخیر به صورت بی‌سابقه‌ای جهش یافته است.

پیش از نیز ابومحمد مرتضوی، مسئول وقت نهاد نمایندگی علی خامنه‌ای در امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور، با توجه به وضعیت بد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران گفته بود: «فارغ‌التحصیلان ایرانی خارج از کشور برای جلوگیری از سرخوردگی بهتر است که به کشور بازنگردند».

گزارش دیگری نیز حاکی است که تعداد دانش‌آموزان ترک‌تحصیل‌کرده یا بازمانده از تحصیل در دوره ابتدایی در ایران «به‌طرز محسوسی» افزایش پیدا کرده است.

به نوشته روزنامه فرهیختگان، در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده که نرخ ترک تحصیل در مقطع ابتدایی در ایران، «۳۰ درصد» افزایش یافته است.

این گزارش، «هزینه بالای آموزش، ناامیدی طبقه کمتر برخوردار از رقابت از این مسیر برای رشد و پیشرفت و آموزش غیرحضور» را از علل این افزایش نگران‌کننده در آمار ترک تحصیل گزارش کرده است.

زخمی و کشته‌شدن تعدادی از برگزارکنندگان چهارشنبه سوری

جعفر میعادفر رییس سازمان اورژانس کشور می‌گوید از ابتدای بهمن تا ۲۴ اسفند سال جاری ۱۱۰۰ نفر در حوادث چهارشنبه سوری مصدوم و ۱۷ نفر کشته شده‌اند.

او افزود: ۹۲ نفر از مصدومان دچار قطع عضو، ۴۷۰ نفر دچار آسیب به چشم، ۵۴۰ نفر دچار سوختگی شده‌اند. به‌گفته این مقام رسمی، استان تهران با ۳۲۱ مصدوم، آذربایجان شرقی با ۱۳۱ نفر و آذربایجان غربی با ۱۵۰ نفر بیش‌ترین مصدومان حوادث چهارشنبه آخر سال را داشته‌اند.

در مراسم چهارشنبه سوری پارسال نیز ۱۸۹۴ نفر مصدوم و ۱۳۱ نفر قطع عضو شده و ۹ نفر نیز جان باختند.

مقامات ایران می‌گویند استفاده از مواد محترقه در آتش‌بازی‌های چهارشنبه سوری علت اصلی حوادث است.

حسین رحیمی رییس پلیس پایتخت نیز روز سه‌شنبه اعلام کرد تا کنون ۵۲ نفر از افراد به گفته او، «هنجارشکن» دستگیر شدند.

تداوم فضای امنیتی پس از قتل بکتاش آبتین

در همان روزهای نخست پس از خاکسپاری بکتاش آبتین، شاعر، فیلم‌ساز و عضو کانون نویسندگان ایران، هیات دبیران تلاش خود را برای برگزاری مراسم یادبود وی آغاز کرد. بنا بر این بود که به‌جز حضور بر مزار آبتین، برنامه‌ای با تمرکز بر وجوه حرفه‌ای، کانونی و شخصیتی او تدارک دیده شود. طرح برنامه در هیات دبیران تنظیم و تصویب شد و هیات دبیران با همکاری خانواده آبتین جست‌وجوی خود را برای اجاره سالنی در تهران آغاز کرد. چندین سالن در فهرست پیگیری کانون قرار گرفتند، اما این تلاش‌ها یکی پس از دیگری به در بسته تهدید و مداخله نیروهای امنیتی خورد. این تلاش‌ها تا آستانه چهارم آبتین ادامه یافت.

یک هفته پیش از مراسم چهارم مطلع شدیم که تماس‌هایی از سوی نیروهای امنیتی با خانواده آبتین گرفته شده است و چند تن از آن‌ها به پلیس امنیت احضار شده‌اند. نیروهای امنیتی در پی تحمیل لغو مراسم چهارم یا دست‌کم محدود کردن آن به‌جمع خانواده آبتین بودند. پس از آن‌که خانواده آبتین از لغو مراسم سر باز زدند، نیروهای امنیتی از حضور خود در این مراسم و احتمال بازداشت خبر دادند.

چند روز پس از این اخطارها، دادسرای امنیت مقدس با دو تن از اعضای هیات دبیران کانون نویسندگان ایران، اکبر معصوم‌بیگی و آیدا عمیدی، تماس گرفت و اعلام کرد که در همان روز یا روز آتی ابلاغیه‌ای برای آن‌ها ارسال خواهد شد.

پس از دریافت ابلاغیه‌ها مشخص شد این دو ملزم شده‌اند روز دوشنبه ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۰، در ساعاتی متفاوت، ۱۰ صبح و ۱ ظهر، در شعبه‌ی یک دادسرای امنیت مقدس حاضر شوند. طبق نظر وکلای طرف مشورت کانون، این دو نفر روز دوشنبه می‌بایست با تفهیم اتهام مواجه می‌شدند. با این حال آن‌ها پس از مراجعه، در دادسرا با جلسه بازجویی روبه‌رو شدند. دلیل احضار این دو عضو هیات دبیران، ممانعت از مداخله کانون نویسندگان ایران در برگزاری مراسم چهارم و نیز بیانی‌های کانون در محکومیت قتل بکتاش آبتین بود.

اطلاعیه کانون مبنی بر حضور در مراسم چهارم آبتین یک روز پیش از این احضار منتشر شده بود و پاسخ دو دبیر احضار شده نیز ارجاع بازجویان به همان اطلاعیه و تاکید بر حق خانواده، دوستان و دوستداران آبتین برای حضور در این مراسم بود. در پایان پس از بازجویی اولیه، معصوم‌بیگی و عمیدی به طور جداگانه به بازپرسی منتقل شدند و به چند پرسش درباره حضورشان در مراسم خاکسپاری آبتین پاسخ دادند.

همان‌طور که پیش از این در خبرهای کانون نویسندگان ایران آمد، مراسم چهارم آبتین با حضور نیروهای امنیتی و انتظامی به‌خشونت کشیده شد. تعدادی از شرکت‌کنندگان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و هفت تن از آنان بازداشت شدند. گرچه بازداشت‌شدگان پیش از طلوع روز بعد آزاد شدند، اما تعدادی از آنان به ناچار روز شنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۰، برای دریافت وسایل خود به دادسرای شهر ری مراجعه کردند.

حکومتی که با جرم‌انگاری حضور بر مزار محمدجعفر پوینده و محمد مختاری برای بکتاش آبتین پرونده ساخته بود، حالا در مراسم خاکسپاری، چهارم و یادبود او مداخله می‌کرد. این نخستین بار نیست که کانون نویسندگان ایران در مسیر دادخواهی خود با محدودیت‌های امنیتی مضاعف و احضار و پرونده‌سازی روبه‌رو می‌شود و به‌جای عاملان و آمران جنایت تحت فشار قرار می‌گیرد.

کانون نویسندگان ایران بر این دادخواهی که اکنون به خواستی عمومی بدل شده پای می‌فشارد و خواهان آزادی بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی از جمله دو عضو در بند خود، رضا خندان (مهابادی) و آرش گنجی است. (کانون نویسندگان ایران ۲۲ اسفند ۱۴۰۰)

شکرالله جبلی به دلیل جلوگیری از دسترسی به خدمات درمانی در زندان جان باخت

خانواده شکرالله جبلی، شهروند دوتابعیتی ایرانی-استرالیایی ۸۲ ساله زندانی در ایران که عفو بین‌الملل چند روز پیش درباره وضعیت جسمانی او در زندان هشدار داده بود، جان باخت.

پسر جبلی روز یکشنبه ۲۹ اسفند در توییتی بدون بیان جزئیات اعلام کرد که «به‌او گفته شده که پدرش مرده است و او نتوانسته است برای نجات او کاری کند.»

سازمان عفو بین‌الملل، ۲۴ اسفند در اطلاعیه‌ای درباره شرایط جسمانی آقای جبلی هشدار داده و گفته بود که مسئولان ایرانی مانع دسترسی او به خدمات درمانی تخصصی شده‌اند.

بر اساس اطلاعیه این سازمان وضعیت سلامت جبلی از روز ۱۱ بهمن ۱۳۹۸ که در زندان اوین تهران محبوس شد، رو به‌وخامت گذارده بود و او به‌جز سابقه سکته، از سنگ کلیه، فشار خون بالا، درد سیاتیک در پا و مشکل فتق رنج می‌برد و نیاز به جراحی داشت.

در این اطلاعیه همچنین آمده بود که آقای جبلی اگرچه سال گذشته در پی سکته به‌بیمارستانی خارج از زندان منتقل شد، اما مقامات مسئول بر خلاف توصیه پزشکان او را در همان روز به زندان بازگردانده و این مدت مانع درمانش شدند.

بر مبنای اعلام عفو بین‌الملل، هم‌بندان جبلی روز ۱۷ اسفند امسال او را بی‌حال و با حداقل واکنش دیده بودند، اما مقامات مسئول همچنان اجازه ندادند که او از درمان تخصصی بهره‌برد. این در حالی است که رئیس زندان اوین و مسئول درمانگاه زندان سال گذشته در نامه‌ای به‌دفتر دادستانی نوشته بودند که ادامه زندان برای این زندانی خطر مرگ دارد.

عفو بین‌الملل در ادامه ضمن درخواست آزادی فوری و برخورداری جبلی از درمان مناسب گفته بود که مقامات ایرانی برای آزادی او جهت درمان خواستار پرداخت ۷ میلیارد تومان شده‌اند که او توان پرداختش را نداشت.

بی‌توجهی به وضعیت سلامت زندانیان از جمله زندانیان سیاسی که گاه منجر به مرگ آن‌ها می‌شود در زندان‌های ایران سابقه دارد.

تاکنون نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بارها درباره وضعیت زندان‌های ایران و برخورد با زندانیان به مقام‌های جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند.

خشونت قانون؛ قانون خشونت

حق طلاق، حضانت، سفر، تحصیل، اشتغال، ازدواج دوم و ده‌ها حقوق دیگر، اهرم‌هایی قانونی-شرعی در مناسبات قدرت در خانواده‌های ایرانی هستند. حقوقی که با اتکا به سنت و فرهنگ، خشونت خانگی را از امری مذموم به امری مرسوم مبدل می‌کنند.

بسیاری از موارد خشونت خانگی در ایران مکتوم می‌مانند؛ شاید به این دلیل که قهر و دعو «نمک زندگی زناشویی» است و کتک‌کاری، فحش دادن، فریاد زدن، شکستن اشیای خانه، به‌هم زدن سفره یا کوبیدن در، امری داخلی و خصوصی. عرف و فرهنگ مردسالار نیز در غیاب قوانین بازدارنده، به کمک همسر، پدر، برادر و حتی فرزندان پسر

می‌آیند تا خشونت‌های اقتصادی، فیزیکی، روانی یا جنسی عادی‌سازی شوند. در عین حال بسیاری از زنان نیز از تحقیر و توهین همسر، احساس سرافکندگی می‌کنند و رنج بردن در سکوت را به آشکارسازی خشونت ترجیح می‌دهند. اصول دوم، بیستم، بیست و یکم و بیست و دوم قانون اساسی حکومت اسلامی ایران، کرامت مرد و زن، یکسان بودن حقوق انسانی هر دو و مصونیت هر یک از آن‌ها از تعرض جانی، شغلی یا حیثیتی را تضمین کرده‌اند. زنان اما نه تنها در قوانین اداری، استخدامی، آموزشی به حاشیه رانده می‌شوند، بلکه در عرصه خانواده نیز که کیان و کانون اصلی آن‌ها نامیده می‌شود، زیر چتر قانون نیستند.

در قانون مدنی ایران، زن حق ترک خانه مشترک را ندارد مگر خطر جانی یا شرافتی را با شاهد صالح در دادگاه ثابت کند. ماده ۱۱۰۵ همین قانون، ریاست خانواده را از «خصایص انحصاری» مرد می‌داند. ماده ۱۱۰۸ تاکید می‌کند که اگر زن از ادای وظایف در برابر شوهر خودداری کند، نفقه به او تعلق نمی‌گیرد. حق تمکین جنسی، در فقه اسلامی، حق مسلم شوهر بر زن است و زن بدون عذر شرعی نمی‌تواند مانع نزدیکی شوهر شود. آیه ۲۲۳ سوره بقره، زنان را کشتزار مردان می‌نامد. ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی مقرر می‌کند که زن باید در خانه‌ای ساکن شود که شوهر تعیین می‌کند مگر پیشاپیش حق انتخاب مسکن را گرفته باشد.

در قوانین فعلی هیچ نهادی و قانونی برای محافظت از زن خشونت‌دیده یا تهدیدشده وجود ندارد. در بسیاری موارد، زنی که کتک یا چاقو خورده، حتی پس از شکایت به مراجع مربوطه یا درمان، مجبور است به همان خانه‌ای باز گردد که عامل خشونت در آن است.

شهیندخت مولاوردی، معاون سابق روحانی در امور زنان و خانواده و دستیار وقت او در امور حقوق شهروندی می‌گوید خشونت علیه زنان باید مسئولیتی همگانی تلقی و پیش از وقوع پیگیری شود: «پیش از این چهاردیواری اختیاری تلقی می‌شد و همین دیدگاه مقابله با خشونت علیه زنان را مشکل می‌کرد.»

ایران یکی از شش کشور جهان است که هنوز کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را امضا نکرده اما به‌خاطر تعهداتش در سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی، موظف است برای جلوگیری از خشونت علیه زنان اقداماتی را انجام دهد.

آمار رسمی و در سطح کلان از میزان خشونت خانگی در ایران وجود ندارد، به ویژه آن که تنها یک سوم موارد خشونت خانگی به پلیس منتقل می‌شود. داده‌های مربوط به این حوزه، عمدتاً بر تحقیقات دانشگاهی و پروژه‌های مطالعات اجتماعی متکی است. نتیجه پژوهشی در سال ۱۳۸۳ در ۲۸ استان نشان می‌دهد که ۶۶ درصد زنان ایرانی دست‌کم یک مرتبه مورد خشونت قرار گرفته‌اند. این پژوهش تحت عنوان «طرح ملی بررسی اشکال خشونت خانگی علیه زنان» انجام گرفت اما ۳۲ جلد کتاب ناشی از این تحقیق ناپدید شدند.

سازمان بهزیستی می‌گوید ۲۷ درصد زنان ۱۹ تا ۴۹ ساله در ایران مورد خشونت همسران خود قرار می‌گیرند و پزشکی قانونی اعلام می‌کند که ۹۰ درصد خشونت‌های خانگی علیه زنان روی می‌دهد. طبق گزارش‌های پزشکی قانونی، تعداد معاینه‌های مربوط به درگیری با موضوع همسرآزاری طی کمتر از یک دهه نزدیک به ۵۰ درصد افزایش داشته و در سال ۹۵ به ۷۷ هزار و ۲۸۰ مورد در سراسر ایران رسیده است.

افزایش آمار خودکشی به‌دلیل معیشتی در ایران

تبعات تبعیض و نابرابری در میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه ایران شکل‌های گوناگون دارد. بی‌شک ناگزیر شدن به خودکشی تلخ‌ترین شکل از تبعات تبعیض است؛ انسان‌هایی که فشار تبعیض و فقر و نابرابری ناچارشان می‌کند تا نقطه پایان زندگی را خود بر صفحه هستی حک کنند.

روایت‌هایی تلخ اما صریح از شرایط امروز ایران و نمایانگر ابعاد پنهانی از نابرابری عمیقی که در طبقات مختلف اجتماعی جریان دارد. تبعات روحی و روانی ناشی از فشار معیشتی بر اقشار مختلف جامعه در حالی بیش از قبل صورت‌های تلخ خود را نمایان می‌کند که مقامات حاکمیت و در راس آن‌ها ابراهیم رئیسی رئیس جمهوری حکومت اسلامی، با مواضع و سیاست‌گذاری‌ها و رویکردهایشان، معنای «آینده» را در نظر گروه کثیری از ایرانیان حتی بسیاری از طرفداران حکومت از بین برده است.

اجرایی و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اجتماعی و نظامی کشور بوده و هستند. از این‌رو بازخوانی موارد خودکشی در میان کارگران و دانشجویان و معلمان در طی سال‌های اخیر که مشخصاً به‌دلیل مصائب معیشتی و اختناق بوده است، می‌تواند مسیری برای درک تبعات تلخ و مشترک ناشی از تبعیض و ستم روا شده از سوی حاکمیت بر اقشار مختلف جامعه باشد. مسیری که در عین حال با مطالبه‌گری اقشار تحت تبعیض و نابرابری پیوند خورده است.

آلودگی هوا در ایران کنترل نمی‌شود

برپایه گزارش‌هایی که در شهریور ماه ۱۴۰۰ منتشر شده در وبسایت سازمان ملل متحد، آلودگی هوا یک مشکل جهانی است که سالانه منجر به مرگ دست‌کم هفت میلیون نفر در سراسر جهان می‌شود. این نهاد بین‌المللی، امسال و هم‌زمان با فرا رسیدن هفتم سپتامبر، روز جهانی هوای پاک برای آسمان آبی، شعار «هوای سالم، سیاره سالم» را که بر پیوند میان سلامت انسان و سیاره زمین در دوران همه‌گیری ویروس کرونا تاکید دارد، برگزیده است.

به باور کارشناسان، بروز همه‌گیری کرونا در جهان، مصرف انرژی در دنیا را به میزان قابل توجهی کاهش داده و در نتیجه این امر، آلودگی هوا در بسیاری از کشورها تا حد چشم‌گیری کمتر شده است.

زین‌العابدین صادقی، پژوهش‌گر حوزه اقتصاد انرژی اما به خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفته: «کاهش انتشار کربن به دلیل رکود ناشی از همه‌گیری کرونا در سراسر جهان به اندازه ۶/۳ درصد است. این در حالی است که آلودگی در ایران نه تنها کاهش نداشته بلکه در همین بازه زمانی افزایش هم پیدا کرده است.»

به‌گفته این استاد دانشگاه، افزایش آلودگی هوا در ایران در دوره همه‌گیری ویروس کرونا در شرایطی رخ داده که میزان آلودگی در یک سال گذشته حتی در میان کشورهای خاورمیانه هم کاهش داشته است.

اما در ایران، نه تنها آلودگی هوا کم نشده، بلکه افزایش هم یافته است.

منابع رسمی در ایران، اواخر آذرماه سال گذشته، استفاده پالایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و صنایع اطراف تهران و برخی دیگر از کلان‌شهرهای کشور از سوخت مازوت را یکی از عوامل اصلی آلودگی هوا در طی سال‌های گذشته اعلام کرده‌اند. استفاده بی‌رویه از مازوت و سوخت‌های غیر استاندارد دست‌کم در طی یک‌سال گذشته سبب شد شاخص آلودگی هوا در تهران به عدد ۱۹۰ هم برسد و آلودگی شدید هوا در پایتخت، برای هفته‌ها باقی بماند.

با وجود ورود ادعای از دستگاه‌های دولتی برای جلوگیری از سوخت‌های غیر استاندارد در صنایع، اما عدم وجود قوانین الزام‌آور سبب شد تا این معضل همچنان حل نشده باقی بماند.

تولید و توزیع سوخت استاندارد در تهران و شهرستان‌ها مطابق استانداردهای جهانی، تولید خودروهای استاندارد، توسعه فضای سبز، مدیریت ترافیک و خروج خودروهای فرسوده از چرخه حمل و نقل شهری، نصب سیستم پایش لحظه‌ای آلودگی در واحدهای صنعتی و کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی و حرکت به‌سمت سوخت‌های غیر فسیلی از

جمله راهکارهایی است که گفته می‌شود با اجرایی شدن آن‌ها، می‌توان دست‌کم معضل آلودگی هوا در تهران و دیگر کلان‌شهرها را کنترل کرد.

ریزگردها نفس‌ها را بریده‌اند؛ انتظار دارند مردم عادت کنند

می‌گویند: «مردم غرب کشور که به این ریزگردها عادت کرده‌اند...». این نوع واکنش به مشکل اتفاقی نیست. می‌خواهند بگویند: با همین وضع بسازید؛ نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.

از اواخر بهمن ماه سال ۱۴۰۰ این سومین باری است که ریزگردهای غلیظ از سمت غرب وارد شهرهای کشور می‌شوند. پیش از این سابقه نداشت که در فصل زمستان هم ریزگردها وارد آسمان ایران شوند. معمولاً تنها در فصل تابستان چند بار می‌آمدند و تهنشین می‌کردند. اما ورود پیاپی و زودهنگام ریزگردها خبر از حاد شدن تغییرات اقلیمی در منطقه دارد، تغییری که مهار نشدن‌شان مستقیماً به نحوه نگاه و مدیریت نهادهای قدرت در کشورهای ترکیه، عراق، ایران و عربستان برمی‌گردد. مسئولان این چهار کشور به نامسئولانه‌ترین شیوه ممکن با این فاجعه اقلیمی و نیز مشکل هجوم ملخ‌ها که محصول کردارهای خود آن‌ها و بخش‌های منتفع وابسته به آن‌ها است برخورد می‌کنند.

از حدود یک دهه پیش که ورود ریزگردها از غرب کشور شتاب گرفت و زندگی انسان‌ها و صدها نوع جانور و گیاه در ایران را زیر تاثیر قرار داد، هیچ‌کس گمان نمی‌کرد در طول یک دهه تغییری روی دهد که باعث شود حتی در فصل‌های برفی و بارانی سال هم این مهمان ناخوانده وارد کشور شود.

مسئولان دولتی پس از چند سال سکوت، حل این معضل را هم به نیروهای ماوراءالطبیعی حواله کرده‌اند. معنای نهفته در پوشش رسانه‌ای رسمی حکومت اسلامی، چکیده موضع و واکنش مسئولان به این مسئله و نشان‌دهنده اهمال‌کاری مطلق است.

همین چند روز پیش مجری اخبار شبانگاهی شبکه سه با لحنی آسوده و آمیخته به لب‌خندی شیطنت‌آمیز اعلام کرد: «مردم غرب کشور که به این ریزگردها عادت کرده‌اند...». این نوع خبررسانی درباره این موضوع اتفاقی نیست؛ بیان فشرده و آرزوی مسئولان کشوری است. یعنی این که مردم غرب کشور به این ریزگردها عادت کنند! نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.

اقدامات مخرب

سدسازی‌های گسترده و بی‌رویه آن هم بدون توجه به پیامدهای انسانی و زیست‌محیطی‌شان در سه کشور ایران، عراق و ترکیه یکی از اساسی‌ترین ریشه‌های موج جدید ریزگردهایی است که اخیراً حتی در فصل زمستان از غرب وارد شهرها و روستاهای ایران می‌شوند.

حسام ملکی، پژوهش‌گر حوزه ژئوگرافی، در بررسی‌هایش نشان داده که تشدید ریزگردهایی که اخیراً به‌صورت پیاپی وارد ایران می‌شوند مستقیماً ناشی از احداث سد ایلپسو توسط دولت ترکیه در استان ماردین این کشور است. این سد با حجم مخزن یک میلیارد و شصت میلیون متر مکعب در نوامبر ۲۰۲۱ افتتاح شد. پیش از ساخت این سد، آب رود دجله مستقیم از ترکیه وارد عراق می‌شد و پس از سیراب کردن حوزه آبی عراق، به تالاب هورالعظیم در خوزستان می‌ریخت. اما با ساخت سد ایلپسو بر رود دجله از ورود ۶۰ درصد آب دجله به عراق جلوگیری می‌شود. سهم اندکی که از دجله وارد عراق می‌شود همان‌جا مصرف می‌شود و هیچ آبی از راه دجله وارد تالاب هورالعظیم نمی‌شود. نتیجه این

اقدام خشک شدن هورالعظیم در سال گذشته بود که مرگ صدها راس گاو میش را موجب شد و زندگی کشاورزان خوزستانی را به نابودی کشاند.

علاوه بر این در نتیجه خشک شدن هورالعظیم و صحرای تفتیده عراق که هر دو ناشی از ساخت سد ایسلو توسط دولت ترکیه بود، زمینه ایجاد ریزگرد نمکی و اسیدی در این منطقه فراهم شد. قبل از ساخت سد ایلیسو، ورود آب دجله به صحرای تفتیده عراق و تالاب هورالعظیم باعث می شد بیشتر زمین های آن ها در مسیر رود به زیر کشت برود و خاک این صحراها را نگه می داشت و مانع از تشکیل ریزگردها می شد. تحت تاثیر همین سد و سدسازی های مشابه در ایران بر روی رودخانه سیروان در شمال شرقی و قسمت های جنوبی عراق، زمین ها و تالاب های خشک شده ای به وجود آمده اند که اکنون به کانون گرد و غبار تبدیل شده اند.

مهم تر از همه در ایران هم اقدامات مشابهی در جریان است که هرچه بیشتر می توند در آینده ریزگردهای بیشتری را در خاک عراق به وجود آورد، ریزگردهایی که در نهایت در حرکت شان زندگی خود مردم ساکن در ایران را هم مختل می کنند.

سال ها است که بدون کوچکترین توجه به هشدارهای پژوهشگران محیط زیست و انجمن های زیست محیطی، دولت اسلامی ایران به واسطه بخش خصوصی پیمان کاری در حال ساختن سد بر روی رودخانه سیروان در کردستان است، رودخانه ای که به سد «دربندی خان» عراق می ریزد و مهم ترین منبع آبی کشاورزی در دشت های «شارم زور» اقلیم کردستان است. اما با سدسازی هرچه بیشتر بر مسیر رود، سهم کشاورزان شارم زو و خاک آن در حال کمتر شدن است. کمتر شدن هرچه بیشتر سهم این دشت از آب سیروان می تواند در آینده ای نزدیک آن را هم تبدیل به یکی دیگر از زمینه های خیزش ریزگردهایی کند که بادهای غربی آن ها را به ایران وارد می کنند. اقدامات نسنجیده و نابخردانه در نهایت نه تنها کشوری را که منبع آبی آن مسدود شده دچار بحران می کند، بلکه زندگی و محیط زیست کشور مسدودکننده را هم به ویرانی می کشد. این اتفاق امروزه در ایران دارد می افتد، دو نمونه: تبدیل شدن دریاچه ارومیه به نمکزار و تهدید جدی دریاچه زریبار مریوان به واسطه بی توجهی ها و ویلاسازی های اطراف آن.

فرونشست زمین عامل خشک سالی، ایجاد ریزگرد و خسارت به زیرساخت ها

برداشت های بی رویه از منابع آب زیرزمینی علت ایجاد فرونشست هاست و برای بهبود آن، نباید اجازه برداشت از منابع آبی کشور و ساخت و ساز در حوزه تغذیه آبخوان داده شود.

مدیرکل مخاطرات زمین شناسی سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور می گوید ریل های راه آهن بر اثر فرونشست زمین آسیب می بینند و این موضوع عامل خطرهای بسیاری مانند آسیب دیدن ساختمان ها از زلزله، پایین آمدن کیفیت آب و ایجاد ریزگردهاست.

رضا شهبازی گفته برداشت های بی رویه از منابع آب زیرزمینی یک علت عام در ایجاد فرونشست ها در کشور است. برداشت بی رویه یعنی تخلیه آبخوانی که میزان تغذیه از آن در سال بیش از حد مجاز بوده است. بعد از این که این سفره های زیرزمینی از آب خالی شد، خلل و فرجی که در گذشته در آن ها آب وجود داشته، روی هم جمع و فشرده شده و دچار فرونشست می شود و دیگر هیچگاه به حالت اولیه خود باز نمی گردد.

اغلب این برداشت ها از طریق چاه های کشاورزی و بعضا چاه های شهری و صنعتی صورت می گیرد.

علت دیگر فرونشست ها این است که به دلیل تغییرات اقلیمی و دوره های خشک سالی اجازه تغذیه به سفره های آب زیرزمینی داده نمی شود.

شهبازی در آذر ماه 1400 گفته طی 20 سال گذشته یک دوره آماری ناخوشایند از لحاظ خشکسالی پشت سر گذاشته شده و بنابراین کاهش بارش‌ها و در نتیجه کاهش آب‌های روان در رودخانه‌ها باعث کاهش تغذیه آب‌های زیرزمینی شده است.

به‌گفته مدیرکل مخاطرات زمین‌شناسی، دخالت‌های انسان باعث شده است تا جریان آب ورودی به آبخوان کاهش پیدا کند. به‌طور مثال با ایجاد سدها در مناطق نامناسب، جریان رودخانه‌ای آب نتوانسته به مناطق آبخوان برسد. همچنین ساخت و ساز در مناطقی که محل تغذیه هستند، باعث ایجاد این مشکل شده است.

در حال حاضر تمامی دشت‌های کشور که به‌صورت سنتی از گذشته تا به‌امروز در آن‌ها کشاورزی انجام می‌شده با چالش کمبود آب مواجه هستند. همچنین از میان 600 دشتی که به‌صورت رسمی ثبت شده‌اند، نزدیک به 300 دشت با چالش فرونشست دشت مواجه هستند که این در حال افزایش است، چرا که برای رفع عوامل شکل‌گیری فرونشست اقدامی صورت نمی‌گیرد.

از پدیده فرونشست به‌عنوان مرگ آبخوان (مرگ سفره‌های زیرزمینی) نیز یاد می‌شود. به‌گفته این مقام مسئول، فرونشست زمینه‌ساز مخاطرات ثانویه است و باعث از بین رفتن ظرفیت آبخوان می‌شود و با توجه به این‌که در اغلب نقاط ایران محل تغذیه آبخوان‌ها با ایجاد ساخت و ساز از بین رفته است، زمانی که سیلابی ایجاد می‌شود از آن‌جا که محلی برای ورود این آب به زمین وجود ندارد و ظرفیت آبخوان نیز از بین رفته است، این سیلاب تبدیل به یک سیل ویران‌گر شده که مراکز جمعیتی را در کشور تهدید می‌کند و باعث سیل‌خیزی منطقه می‌شود.

فرونشست همچنین باعث فشرده شدن ذرات رسوب آبخوان شده و ایجاد فضای کمتر می‌شود و میزان تماس آب با ذرات رسوبی بیش‌تر شده و کیفیت آب را در مناطقی که دچار فرونشست شده‌اند، کاهش می‌دهد. علاوه بر این‌ها، فرونشست پی‌زمینی را که روی آن ساخت و ساز و امکانات زیرساختی صورت گرفته است از بین می‌برد و باعث ایجاد خسارت به زیرساخت‌های طولی مانند ریل‌های راه‌آهن می‌شود. مدیرکل مخاطرات زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی، فرونشست را به یک زلزله بسیار آرام تشبیه کرده است که در حال رخ دادن است.

فرونشست باعث زلزله نمی‌شود، اما مقاومت سازه را در برابر زلزله‌هایی با قدرت کم نیز کاهش می‌دهد. همچنین کیفیت آب را در آن منطقه پایین می‌آورد و در نهایت هم باعث خشک شدن یک منطقه و از بین رفتن اراضی کشاورزی و ایجاد ریزگرد در یک منطقه می‌شود.

مدیرکل مخاطرات زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی تاکید کرده است برای بهبود این وضعیت، نباید بیش از این اجازه برداشت از منابع آبی کشور و اجازه ساخت و ساز در حوزه تغذیه آبخوان داده شود.

بیش‌ترین فرونشست در شهرهای بزرگ، حاشیه شهرهای بزرگ، مراکز بزرگ کشاورزی در استان‌های تهران (جنوب تهران)، قزوین، البرز، اصفهان، فارس و خراسان رضوی دیده می‌شود.

در مناطق جنوبی کشور مانند استان هرمزگان نیز این فرونشست در دشت‌ها ایجاد شده و در معرض خطر بیش‌تری هستند.

تهران رکورددار فرونشست زمین در دنیاست.

قطع‌نامه کمیته سوم سازمان ملل علیه نقض حقوق بشر در ایران

در ۲۶ آبان ۱۴۰۰ - ۱۷ نوامبر ۲۰۲۱، کمیته سوم سازمان ملل، قطعنامه علیه نقض حقوق بشر در ایران را با ۷۹ رای موافق در برابر ۳۰ مخالف و ۷۱ ممتنع تصویب کرد. نمایندگان کشورهای موافق با این قطعنامه نسبت به استفاده گسترده از مجازات اعدام به‌ویژه برای افراد زیر ۱۸ سال توسط قوه قضاییه حکومت اسلامی، محرومیت زندانیان از دسترسی به خدمات پزشکی، بدرفتاری با زندانیان در زندان اوین، رواج شکنجه در زندان‌ها برای اخذ اعترافات اجباری و ادامه آزار و اذیت مدافعان حقوق بشر اعتراض کرده بودند.

همچنین در ۱۶ دسامبر ۲۰۲۱ - ۲۵ آذر ماه ۱۴۰۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران با ۷۸ رای موافق، ۳۱ رای مخالف و ۶۹ رای ممتنع تصویب کرد.

در این قطعنامه هم با اشاره به موارد متعدد نقض حقوق بنیادین شهروندان ایرانی توسط حکومت اسلامی، از مقامات ایران خواسته شده بود وضع حقوق بشر را بهبود بخشند.

در طول یک ساله گذشته تاکنون، جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران هم دو گزارش جداگانه، یکی در چهارم آبان ماه سال جاری-۲۶ اکتبر ۲۰۲۱ و گزارش دیگر در ۲۱ بهمن ۱۴۰۰ - ۱۰ فوریه ۲۰۲۲ درباره نقض حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی سازمان ملل متحد و اعضای کمیته سوم این سازمان ارائه کرد.

جاوید رحمان در گزارش‌های خود به مواردی مانند مصادره دارایی‌های شهروندان بهایی، شلیک به کولبران و سوخت‌بران در مرزهای کردستان و سیستان و بلوچستان، آمار بالای اعدام در ایران، ادامه فشار بر مدافعان حقوق بشر و همچنین نقش ابراهیم رئیسی، رییس جمهوری فعلی ایران به‌عنوان دادستان سابق و عضو «هیات مرگ» در کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ پرداخت.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران همچنین در گزارش‌های خود از جامعه جهانی خواست مقامات جمهوری اسلامی را برای ادامه نقض حقوق بشر در ایران پاسخگو کنند.

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد هم در طول یک سال گذشته در دو گزارش جداگانه به مجمع عمومی، ادامه روند نقض خشونت‌آمیز حقوق بشر در ایران را بسیار نگران کننده خواند.

در آخرین واکنش‌های بین‌المللی به ادامه نقض حقوق بشر در ایران، میشل باشله، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد روز هفتم مارس ۲۰۲۲-۱۶ اسفند ماه، در گزارش جدید خود به چهل و نهمین نشست شورای حقوق بشر این سازمان در ژنو، از افزایش آمار اعدام‌ها و همچنین به‌کارگیری مجازات مرگ علیه افراد زیر ۱۸ سال در ایران انتقاد کرد.

قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد اگرچه یک متون رسمی هستند که از سوی نهادهای از سازمان ملل متحد تصویب می‌شود اما طبق مفاد مندرج در مواد ۱۰ تا ۱۴ از منشور این سازمان، قطعنامه‌های مجمع عمومی صرفاً به عنوان «توصیه» تعریف شده‌اند و از هیچ مکانیسم اجرایی پیروی نمی‌کنند.

در میان قطعنامه‌هایی که از طرف سازمان ملل متحد تصویب می‌شوند، فقط قطعنامه‌های مصوب در شورای امنیت این سازمان که تحت فصل هفتم صادر می‌شوند، لازم‌الاجرا خواهند بود.

سال ۱۴۰۰، سال افزایش اجرای مجازات اعدام در ایران

قوه قضاییه حکومت اسلامی دستکم ۱۴ زندانی را در آستانه سال نو اعدام کرد. این ماشین آدم‌کشی حکومت اسلامی ایران، طی روزهای ۲۱ تا ۲۵ اسفند ۱۴۰۰، دستکم ۱۴ زندانی را در زندان‌های گوهردشت، شیراز، اصفهان، ارومیه، بوشهر، زاهدان و خاش اعدام کرده‌اند.

چهارشنبه ۲۵ اسفندماه، ۳ زندانی از جمله دو برادر به‌نام‌های غلامعلی و عباس خوارگیر و یک زندانی دیگر به‌نام محسن جندقی (پس از ۲۰ سال حبس)، در زندان گوهردشت کرج حلق‌آویز شدند.

سه‌شنبه ۲۴ اسفند، دو زندانی به‌نام‌های پیمان باباخانی و میرعلی حسینی در زندان مرکزی ارومیه و یک سرباز زندانی به نام محمد بزرگ‌زاده ۲۲ ساله اهل یاسوج در زندان بوشهر اعدام شدند.

یکشنبه ۲۲ اسفند، چهار زندانی در زندان عادل‌آباد شیراز حلق‌آویز شدند. دوتن از آن‌ها حسین مهربانی (۳۷ ساله اهل جهرم) و جمشید فدایی نام داشتند. در همین روز یک زندانی بلوچ به‌نام حفیظ‌الله رخشانی (۳۰ ساله اهل زاهدان) بعد از تحمل شش سال حبس در زندان زاهدان حلق‌آویز شد.

روز شنبه ۲۱ اسفند نیز یک زندانی بلوچ به‌نام علم یاراحمدزهی ۴۸ ساله در زندان خاش اعدام شد. همچنین طبق اعلام ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا)، در همین بازه زمانی دستکم ۸۵ زندانی دیگر از طرف مراجع قضایی حکومت اسلامی ایران به اعدام محکوم شده‌اند.

سازمان حقوق بشر ایران هم در یک گزارش جدید که به مناسبت هشتم مارس امسال، روز جهانی زن منتشر کرد، با تاکید بر این‌که میزان اعدام زنان در سال ۲۰۲۱ در ایران نسبت به چند سال گذشته افزایش چشمگیری داشته، اعلام کرد مقام‌های جمهوری اسلامی در بازه زمانی یاد شده دستکم ۱۷ زن را در ایران اعدام کرده‌اند.

به‌نظر می‌رسد انتصاب غلامحسین محسنی اژه‌ای، به‌عنوان یکی از ناقضان شناخته شده حقوق بشر در ایران به ریاست قوه قضاییه و با آغاز ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی این آیت‌الله‌های قاتل، در افزایش شمار اعدام‌ها بی‌تاثیر نبوده‌اند.

بر پایه اعلام سازمان‌های حقوق بشری، اژه‌ای که از روز دهم تیر ۱۴۰۰ با حکم علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی به ریاست قوه قضاییه ایران منصوب شد، به غیر از دست داشتن در موارد متعدد نقض حقوق بشر، تنها در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ میلادی در صدور احکام اعدام برای دستکم هزار و ۱۰۰ زندانی نقش مستقیم داشته است.

از طرف دیگر، گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری نشان می‌دهند در ماه‌های گذشته و به ویژه پس از تشکیل دولت سیزدهم و انتصاب مدیران جدید، اعدام‌ها در مناطق حاشیه‌ای و محروم نظیر استان سیستان و بلوچستان افزایش قابل توجهی داشته است.

عبدالله عارف، مدیر کمپین فعالین بلوچ، پیش‌تر در گفت‌وگو با زمانه گفته بود پس از روی کار آمدن دولت ابراهیم رئیسی و تشدید فضای امنیتی در استان سیستان و بلوچستان از سوی سپاه پاسداران، احکام اعدام زندانیان بلوچ «به‌صورت فله‌ای» اجرا می‌شود.

بیوک میرزایی، بازیگر شناخته شده سینما، در یک برنامه تلویزیونی در صدا و سیما جمهوری اسلامی، پس از دیدن عکس غلامحسین محسنی اژه‌ای، با لب‌خند او را «اون قالتاق» نامید. هر چند دستگاه سرکوب، چند ساعت بعد، بیوک میرزایی را وادار به عذرخواهی کرد اما صفت «قالتاق» هزاران بار دهان به دهان چرخید و تاکنون یکی از پرکاربردترین توصیفاتی‌ست که ایرانی‌ها درباره اژه‌ای به‌کار برده‌اند.

با احتساب این اعدام‌ها، از ابتدای سال ۱۴۰۰ تاکنون دستکم ۳۵۵ زندانی اعدام شده‌اند. با روی کار آوردن ابراهیم رئیسی قاتل و افزایش اعدام‌ها و ایجاد فضای ارباب، می‌خواهد از اعتراضات و خیزش‌های مردمی به‌دلیل تشدید سانسور و سرکوب و وخامت شدید وضعیت معیشتی، جلوگیری کند.

فراخوان تحقیق درباره نقش ابراهیم رئیسی در اعدام‌های سال ۱۳۶۷

شماری از برندگان جایزه نوبل صلح و مقام‌های پیشین سازمان ملل، در نامه‌ای از کمیسر عالی حقوق بشر این سازمان خواستند درباره اعدام هزاران زندانی سیاسی در ایران در تابستان سال ۱۳۶۷ و نقش ابراهیم رئیسی در آن زمان تحقیق کند.

۴۶۰ تن از قضات و بازرسان سابق سازمان ملل در نامه‌ای سرگشاده، از میشل باشله، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل خواسته‌اند تا تحقیقات بین‌المللی را درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران در سال ۱۳۶۷ آغاز کند. این نامه که پنج‌شنبه ۷ بهمن - ۲۷ ژانویه منتشر شد، یادآوری می‌کند که افراد دست‌اندرکار در این قتل‌عام، همچون ابراهیم رئیسی و غلامحسین محسنی اژه‌ای، روسای کنونی قوه مجریه و قضاییه، «همچنان از مصونیت برخوردار هستند».

در نامه آمده که هزاران زندانی سیاسی که حاضر به ترک عقاید خود نبودند، اعدام و در گورهای دسته‌جمعی پراکنده در سراسر ایران دفن شدند.

امضاکنندگان تاکید کرده‌اند، از زمانی که قرار بود دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل درباره کشتار ۱۳۶۷ تحقیق کند، مدت زیادی گذشته است.

در میان امضاکنندگان نام یواخیم روکر، رییس پیشین شورای حقوق بشر سازمان ملل، کلود هلر، رییس سابق شورای امنیت سازمان ملل، ریکاردو اسکوبار، رییس جمهور سابق شیلی، روان ویلیامز، اسقف اعظم پیشین کانتربری و ژاک سانتر، رییس پیشین کمیسیون اروپا به چشم می‌خورد.

همچنین، ۱۸ برنده جایزه نوبل صلح نیز این نامه را امضا کرده‌اند.

امضاکنندگان این نامه تاکید کرده بودند که ابراهیم رئیسی باید از سوی مقامات قضایی جهان به علت جنایاتی که مرتکب شده محاکمه شود؛ نه این‌که زمام امور دولت را بر عهده گیرد.

در مهرماه گذشته و در آستانه سفر ابراهیم رئیسی به اجلاس تغییرات اقلیمی در اسکاتلند، شماری از بستگان قربانیان شکنجه و اعدام در جمهوری اسلامی با تنظیم درخواستی رسمی از پلیس اسکاتلند خواستند تا در صورت ورود رئیسی به گلاسکو او را بازداشت کند.

ابراهیم رئیسی، سرانجام جرات نکرد به اسکاتلند برود.

او متهم است در جریان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ یکی از اعضای «هیأت مرگ» بوده و به‌طور مستقیم در اعدام‌های گروهی دست داشته است.

همچنین اشتن زایبرت، سخنگوی دولت آلمان اعلام کرد، دولت این کشور از نقش رئیسی در اعدام‌ها اطلاع دارد. او به‌پرسش مربوط به تبریک صدراعظم آلمان به انتخاب رئیسی پاسخ نداد و گفت: «در این ارتباط چیزی برای گفتن ندارد».

اشتن زایبرت، سخنگوی دولت آلمان شامگاه دوشنبه ۳۱ خرداد - ۲۱ ژوئن در کنفرانسی خبری در برلین گفت، آلمان از نقش ابراهیم رئیسی، رییس جمهوری جدید ایران در اعدام‌ها اطلاع دارد.

بریل کوفلر، مسئول امور حقوق بشر دولت آلمان نیز در واکنشی که بعد از انتخاب رئیسی نشان داد گفت از این که «رییس جمهور منتخب ایران هنوز درباره گذشته خود و نقض آشکار حقوق بشر توضیحی نداده» نگران است. کوفلر در حساب توئیتر خود نوشت: «فریاد مردم ایران که خواهان آزادی و حقوق بشر هستند باید شنیده شود.» مسئول امور حقوق بشر دولت آلمان همچنین در توئیتر خود نوشت که حقوق بشر قابل مذاکره نیست و جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی تعهد داده است به آن پایبند باشد. رئیسی، از تصمیم اجرای آن اعدامها دفاع کرده است. از رئیسی به عنوان یکی از گزینه های احتمالی برای جانشینی علی خامنه ای، رهبر کنونی جمهوری اسلامی یاد می شود.

عدم توجه و ناکارآمدی دولت و مدیریت ضعیف در مهار بحران کرونا

وزارت بهداشت حکومت اسلامی ایران شمار مبتلایان به کرونا و درگذشتگان را در آخرین شبانه روز سال ۱۴۰۰ اعلام کرد. براساس این گزارش تعداد مرگومیر ۶۰ نفر و تعداد مبتلایان جدید ۱۸۱۶ نفر اعلام شده است. در حال حاضر ۲۹ شهرستان در وضعیت قرمز، ۱۲۶ شهرستان در وضعیت نارنجی، ۲۷۸ شهرستان در وضعیت زرد و ۱۵ شهرستان در وضعیت آبی قرار دارند. بر اساس اعلام وزارت بهداشت، مجموع جان باختگان کرونا در ایران به ۱۳۹ هزار و ۵۵۰ نفر و مجموع کل بیماران به ۷ میلیون و ۱۳۹ هزار و ۲۱۷ نفر رسیده است. آمار رسمی کرونا در حالی به صورت روزانه از سوی وزارت بهداشت ایران اعلام می شود که مسئولان سازمان نظام پزشکی پیشتر آمار واقعی را سه تا چهار برابر این آمار اعلام کرده اند. طبق آمار دولتی در ایران از زمان تایید شیوع ویروس کرونا در کشور تا کنون بیش از ۱۴۰ هزار نفر از شهروندان ایرانی بر اثر ابتلا به این ویروس جان خود را از دست داده اند. هر چند این آمار به دلیل عدم شفافیت نهادهای دولتی قابل راستی آزمایی نیست اما همین آمار هم وضعیت مدیریت ضعیف دولت ایران در مهار بحران کرونا را نشان می دهد. عدم توجه به جان و بهداشت عمومی مردم و کمبود زیر ساخت های درمانی کافی و همچنین جلوگیری از ورود واکسن توسط حکومت، از دلایل اصلی بالا رفتن شمار قربانیان کرونا در کشور محسوب می شود. ابراهیم رئیسی در دوران هشت ماهه ریاست جمهوری خود همانند حسن روحانی، رییس جمهوری پیشین حکومت اسلامی ایران، هیچ گونه برنامه دقیقی برای مقابله با کرونا ارائه نداد. به عنوان مثال در دولت او هیچ یک از مراسم مذهبی که عمدتاً بدون رعایت پروتکل های بهداشتی هم برگزار می شود، لغو نشد. ابراهیم رئیسی حتی پس از دیدار با مصطفی الکاظمی، نخست وزیر عراق در شهریور ماه ۱۴۰۰ و در حالی که سراسر کشور در وضعیت قرمز کرونا قرار داشت، خواهان لغو روادید میان دو کشور شد تا بدین ترتیب مراسم مذهبی مربوط به عزاداری برای امام سوم شیعیان (اربعین) با عده و تعداد بیش تری برگزار شود. کارنامه هر دو دولت روحانی و رئیسی در دو سال گذشته برای کنترل شیوع کرونا در کشور را «ناموفق» بوده است. یکی از مشکلات جدی پیش روی مردم، تقویت خرافات در مواجهه با کووید-۱۹ بوده است. حکومت خرافات و طب سنتی-اسلامی که موجب آسیب به شهروندان شده یا موجب اجتناب از دریافت واکسن می شود، تقویت کرد و همچنان تقابل جهل و علم در ایران ادامه دارد.

پس از پایان دولت شیخ حسن روحانی و همچنین به دنبال کش و قوس‌های فراوان درباره واردات یا عدم واردات واکسن کرونا و بعد از مرگ ده‌ها هزار نفر در کمتر از پنج ماه بر اثر نبود واکسن، بالاخره با روی کار آمدن دولت شیخ ابراهیم رئیسی و تقسیم قدرت میان باندهای فاسد از جمله مافیای واردات دارو، واردات واکسن کرونا به کشور آزاد شد. هر چند توزیع واکسن کرونا در سراسر کشور در ماه‌های اخیر توانسته به طرز چشمگیری شمار قربانیان کرونا را کاهش دهد، شواهد نشان می‌دهند دولت ابراهیم رئیسی کماکان همان شیوه مدیریت بحران را که در دوره روحانی دنبال می‌شد، پی گرفته است.

حق معیشت شهروندان ایرانی در گرو چانه‌زنی‌های احیای برجام

مذاکرات احیای برجام در وین در طول یک سال گذشته همواره یکی از جنجالی‌ترین رویدادها بوده است. در روزهای اخیر توقف مذاکرات احیای برجام در وین خبرساز شده است. جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که وظیفه هماهنگی مذاکرات احیای برجام در وین را بر عهده دارد، روز ۲۰ اسفند ۱۴۰۰ - ۱۱ مارس ۲۰۲۲، با انتشار یک پیام در حساب کاربری خود در توئیتر، ضمن اعلام این خبر، «عوامل خارجی» را عامل توقف مذاکرات وین دانست.

مذاکرات احیای برجام از آن رو حائز اهمیت است که در صورت حصول توافق نهایی میان ایران و کشورهای طرف مذاکره، احتمال رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران وجود دارد که این موضوع می‌تواند وضعیت معیشتی شهروندان در ایران را بهبود بخشد.

دور جدید مذاکرات وین (مذاکرات احیای برجام) از روز هشتم آذر ماه ۱۴۰۰ و پس از تماس‌های وزارت امور خارجه حکومت اسلامی ایران با انریکه مورا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، میان ایران و طرف‌های دیگر برجام در هتل کوبورگ در شهر وین اتریش آغاز شد.

۲۰ هزار طلبه صاحب خانه شدند

خبرگزاری حکومتی رسا نوشت: حجت‌الاسلام سیدعلا رفیعی معاون مسکن مرکز خدمات حوزه‌های علمیه از از ثبت‌نام ۳۰ هزار طلبه برای دریافت «مسکن ملی» خبر داد و گفت تاکنون ۲۰ هزار طلبه خانه‌دار شده‌اند. او در ادامه تاکید کرد: پس از بررسی همه تراز تحصیلی خانوار ۲۵ هزار نفر طلبه مستاجر داریم که باید حتما سریع‌تر برای آن‌ها کاری کرد؛ توزیع نامتوازن سبب شده است به آمار توجه ویژه‌ای داشته باشیم.

در شرایطی موجود حدود ۲۰ میلیون شهروندان ایرانی در حاشیه شهرها و در حلبی‌آبادها زندگی می‌کنند و تعداد بی‌شماری از شهروندان نیز کارتن‌خواب و گورخواب و اتوبوس‌خواب و پشت‌بام‌خواب هستند. چرا که هیچ خانه و سرپناهی ندارند.

نخایر غنی‌شده اورانیوم ۶۰ درصدی

خبرگزاری‌های رویترز و بلومبرگ می‌گویند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی از کاهش ذخایر غنی‌شده اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران خبر داده است.

بر مبنای گزارش محرمانه آژانس که این خبرگزاری‌های نسخه‌ای از آن را دیده‌اند ایران روند تبدیل بخشی از ذخایر ۶۰ درصدی را آغاز کرده و آن‌ها به موادی تبدیل می‌شوند که در ایزوتوپ‌های پزشکی کاربرد خواهند داشت.

بلومبرگ این اقدام ایران را با توجه به از میان رفتن امکان کاربری نظامی برای پیشرفت در مذاکرات احیای برجام مثبت ارزیابی کرده است، اما رویترز با اشاره به درخواست هفته گذشته آمریکا و متحدان اروپایی این اقدام ایران را «مقابله» با قدرت‌های غربی خوانده، هرچند گفته بعید است این اقدام مذاکرات را به بن‌بست بکشانند.

در حالی که به گفته همه طرف‌ها مذاکرات بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای به روزهای پایانی رسیده بود، این گفت‌وگوها کمی پس از حمله روسیه به اوکراین متوقف شد. هرچند ایران آمریکا را مقصر توقف کنونی مذاکرات می‌داند.

رویترز از تبدیل کمی بیش از دو کیلوگرم از ذخایر ۶۰ درصدی ایران خبر داده و بлумبرگ این مقدار را یک سوم کل ذخایر ۶۰ درصدی ایران گزارش کرده است.

رابرت کلی، یک مهندس هسته‌ای آمریکایی با سابقه کار برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به بлумبرگ گفته با آغاز تبدیل ذخایر ۶۰ درصدی به ایزوتوپ پزشکی، این مواد دیگر قابلیت غنی‌سازی بیش‌تر یا استفاده در مصارف نظامی را نخواهند داشت. هرچند او می‌گوید به دلیل تردید در توانایی ایران به تبدیل موفقیت‌آمیز این مواد به ایزوتوپ پزشکی، انگیزه‌های اولیه ایران روشن نیست.

مبادله نازنین زاغری در ازای ۵۳۰ میلیون دلار

نازنین زاغری که تحت پوشش خبرنگار در ایران فعالیت می‌کرد و به جرم «جاسوسی» برای انگلیس دستگیر شده بود، با پایان محکومیت ۵ ساله و در ازای آزادسازی ۵۳۰ میلیون دلار اموال بلوکه شده ایران و آزادی یک ایرانی در انگلیس، مبادله شد.

در فوریه سال جاری در زمانی که ۱۰ ماه از مذاکرات احیای برجام می‌گذشت و طرفین به حصول توافق نزدیک می‌شدند، جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد برای تبادل ۱۲ گروگان دوتابعیتی آماده است. شرط ایران رفع انسداد از دارایی‌های مسدود شده و آزادی شهروندان ایرانی بود که به اتهام دور زدن تحریم‌ها در زندان‌های غرب در بازداشت هستند.

اعضای خانواده انوشه آشوری می‌گویند که مقامات در ایران، آن‌ها را مکلف به پرداخت جریمه‌ای ۲۷ هزارپوندی، در آخرین ساعات منتهی به آزادی او کردند.

شری ایزدی، همسر انوشه آشوری، زندانی تازه آزاد شده ایرانی‌بریتانیایی، در مصاحبه‌ای با گاردین با اشاره به درخواست غیرمعارف مقامات ایرانی برای پرداخت جریمه‌ای ۲۷ هزارپوندی در ازای دوره محکومیت ده‌ساله آشوری، گفت: «کمتر از ۱۲ ساعت فرصت داشتیم تا این مبلغ را تهیه کنیم.»

وی می‌گوید که تمام تلاش‌مان را کردیم که «با استفاده از کارتهای اعتباری خود وام بگیریم و حساب‌های جدید باز کنیم. تنها فکرم این بود که چگونه می‌خواهیم این کار را به موقع انجام دهیم.»

حکومت اسلامی ایران در اواخر روز دوشنبه به مذاکره‌کنندگان وزارت خارجه انگلیس گفته بود که در صورت عدم پرداخت جریمه محکومیت ۱۰ ساله آشوری در روز بعد، آزادی او منتفی است.

شری ایزدی می‌گوید که «ابتدا مقامات دولتی در تهران از برادرزاده‌ام خواستند با چمدانی پر از پول نقد در بیرون از زندان با آن‌ها ملاقات کند، اما او خواست که به‌داخل زندان برود و رسید به او بدهند. آن‌ها بعد از دریافت این مبلغ اصرار داشتند پول‌ها را بشمارند و اصالت اسکناس‌ها را بررسی کنند.»

انوشه آشوری به همراه نازنین زاغری، روز چهارشنبه پس از پرداخت بدهی قدیمی حدوداً ۴۰۰ میلیون پوندی بریتانیا به ایران، آزاد و راهی بریتانیا شد.

کاترین شکدم

در اسفند ماه نیز ماجرای کاترین پرز شکدم، زنی بریتانیایی-فرانسوی و یهودی مطرح شد و نمایندگان اصول گرا آن را برای تلاش برای ضربه به سپاه پاسداران تعبیر کردند. هر چند پیش از این سابقه داشته که تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی متهم به داشتن روابط با یک زن ایرانی شوند اما حضور یک زن یهودی و مطرح شدن حاشیه‌ها درباره او بی‌سابقه بوده است.

او در سفر چند سال پیش خود به ایران با ابراهیم رئیسی مصاحبه و مطالبی هم در وبسایت آیت‌الله علی خامنه‌ای منتشر کرده بود.

برخی جریان‌های سیاسی داخل ایران او را یک «جاسوس» خواندند و نام یدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه پاسداران و نادر طالب زاده، مستندساز نزدیک به حکومت به عنوان افرادی که زمینه فعالیت او را فراهم کرده‌اند مطرح شد. این دو نفر اما این موضوع را تکذیب کردند و جوانی گفت که او را نمی‌شناسد و ندیده است.

نادر طالب زاده نیز گفت که خانم شکدم مدتی نیز «آزادانه» در ایران زندگی می‌کرد اما رسانه‌ها به نقل از یک مقام قضایی گفته‌اند او فقط ۱۸ روز در ایران بود.

در شبکه‌های مجازی نیز ادعای رابطه شکدم با ۱۰۰ مقام جمهوری اسلامی مطرح شد اما او در مصاحبه با بی‌بی‌سی گفت که این ادعاها را خوانده اما «به هیچ وجه» درست نیست.

سایت دفتر رهبر جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که خانم شکدم تنها از طریق ایمیل با این سایت در ارتباط بوده اما او به بی‌بی‌سی گفت که از طرف این سایت با او تماس تلفنی گرفته و پیشنهاد همکاری مطرح شده است.

موشک‌پراکنی‌های حکومت اسلامی

بامداد روز یکشنبه ۱۳ مارس ۲۰۲۲، دستگاه مبارزه با تروریسم در اقلیم کردستان با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که در ساعت ۱ بامداد به وقت محلی شهر اربیل هدف ۱۲ موشک بالستیک قرار گرفت.

در مقابل سپاه پاسداران ایران هم در بیانیه‌ای ادعا کرد که یک مرکز اسرائیلی در اربیل را با موشک‌های قدرتمند هدف حمله قرار داده است.

شلیک چند موشک از طرف ایران به پایگاه و شاید یکی از پایگاه‌های اسرائیل در شهر اربیل کردستان عراق، تبدیل به خبر اول منطقه شد. سپاه پاسداران مسئولیت این اقدام را قبول کرده و گفته است که این پایگاه، مرکز جاسوسی اسرائیل بوده است. این که پایگاه جاسوسی بود و یا غیر جاسوسی معلوم نیست اما این که اسرائیل دارای چه امکاناتی در اطراف ایران - از جمله در ترکیه و کردستان عراق و چند کشور خلیج فارس- است آشکار است. گویا انگیزه این حمله موشکی، علاوه بر شلیک موشکی اسرائیل به یک مرکز نظامی سپاه قدس در سوریه و همچنین عملیات اخیر نظامی در کرمانشاه ایران در دو هفته اخیر بوده است که در هر دو رویداد چند تن نظامی و سپاهی کشته شده‌اند.

اسرائیل همواره به پایگاه‌های نظامی حکومت اسلامی ایران در سوریه، همواره حمله موشکی و پهپادی و بمباران هوایی می‌کند. نیروهای حکومت اسلامی در سوریه از حکومت این کشور در برابر مخالفین آن دفاع می‌کند.

در پی این حمله نخست‌وزیر عراق از محل اصابت موشک‌ها در اربیل بازدید کرد و مقامات کردستان و دولت بغداد با رد ادعای ایران درباره وجود مقر اسرائیل، اعلام کردند موشک‌ها به یک ویلای خصوصی و ساختمان‌های اطراف، از جمله یک شبکه تلویزیونی محلی آسیب زده است.

در این میان گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی پس از آن در خبرهای خود نوشتند که این اقدام «به تلافی» حمله پهبادی هفته‌های گذشته اسرائیل به مقری در کرمانشاه انجام شده است.

رسانه‌های اسرائیلی نیز اخیراً به نقل از «منابع مختلف لبنانی و اسرائیلی» گزارش دادند در حمله پهبادی چندین هفته پیش که به یکی از تأسیسات نظامی حساس ایران در استان کرمانشاه انجام شده، «صدها پهباد ایران نابود شده است».

رمضان شریف از فرماندهان سپاه پاسداران نیز با اشاره به این گزارش‌ها روز پنجشنبه گفت: «این حق ما است که به مقرهای صهیونیست‌ها که امنیت ما را هدف قرار می‌دهند، حمله کنیم زیرا این موضوع خط قرمز ایران است».

این تهدیدات او در حالی صورت می‌گیرد که پس از حمله قبلی، دولت عراق با احضار سفیر ایران اعتراض رسمی دولت عراق به نقض حاکمیت ملی این کشور از سوی حکومت اسلامی ایران را ابلاغ کرد.

از سوی دیگر شورای عالی قضایی اقلیم کردستان عراق نیز خواستار ارسال پرونده حمله موشکی ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد شده است.

این شورا روز دوشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۰ با انتشار بیانیه‌ای گفت که دولت عراق باید همه تدابیر لازم را برای مقابله با نقض حق حاکمیت دولت اتخاذ کند.

این بیانیه همچنین از پارلمان عراق و نهادهای بین‌المللی خواست تا اقدامات «قاطعانه و جدی» برای توقف حملات موشکی ایران انجام دهند. مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق نیز حمله سپاه پاسداران را «تهاجم به امنیت مردم عراق» توصیف کرده و آمریکا نیز این حملات را به شدت محکوم کرده است.

اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن حمله موشکی حکومت اسلامی ایران به اربیل، اعلام کرد هیچ توجیهی برای چنین اقدام خشونت آمیزی علیه اراضی یک کشور مستقل وجود ندارد. این اتحادیه همچنین با اعلام همبستگی با ملت و دولت عراق و نیز دولت اقلیم کردستان عراق، بر ادامه حمایت خود از حاکمیت و ثبات عراق تأکید کرد.

وزارت خارجه آمریکا نیز با محکوم کردن حمله موشکی سپاه پاسداران ایران به اربیل، خواستار توقف فوری حملات ایران، احترام به حاکمیت عراق و پایان دادن به دخالت در امور داخلی این کشور از سوی ایران شد.

رسانه‌های ایران با انتشار عکسی از هانی رمزی، هنرمند مصری در فیلم «ابوالعربی»، مدعی شدند که او یک افسر اسرائیلی کشته‌شده در حملات موشکی هفته گذشته سپاه پاسداران به اربیل بوده است. رسانه‌ها و کنشگران وابسته به حکومت در روزهای گذشته، کمپین گسترده‌ای را برای معرفی «افسران اسرائیلی کشته‌شده در اربیل» آغاز کرده بودند.

هانی رمزی نام یکی از افسرانی بود که با انتشار عکسی، ادعا شده بود که او جزو کشته‌شدگان حمله موشکی سپاه پاسداران بوده است. این عکس در واقع مربوط به هانی رمزی، هنرمند مصری در فیلم کمدی «ابوالعربی» ساخت کشور مصر است. کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز این موضوع را دست‌مایه طنز خود قرار داده و به آن واکنش نشان دادند.

از جمله این واکنش‌ها، تویییتی بود که در آن عکس هانی رمزی از فیلم «ابوالعربی» منتشر شده و در توضیح آن نوشته شده بود: «به‌منظر شما پس از موفقیت ایران در قتل یکی از خطرناک‌ترین افسران اسرائیل، پاسخ تل‌آویو به تهران چه

خواهد بود؟ به‌گفته منابع نزدیک به موساد، عکسی که در این توییت می‌بینید متعلق به هانی رمزی، افسر اسرائیلی کشته‌شده در حمله موشکی ایران است.»

هانی مصری، هنرمند مصری نیز با بازنشر این توییت افزود: «لطفاً تصحیح کنید: اسم این افسر شهید، هانی رمزی نیست بلکه ابوالعربی است.»

پس از آن‌که واقعیت درباره این عکس منتشر شد و کاربران شبکه‌های اجتماعی بدان واکنش نشان دادند، پایگاه‌های خبری این گزارش را از روی صفحات خود حذف کردند.

جنگ آشکار و نهان حکومت اسلامی ایران و حکومت اسرائیل در جبهه‌های مختلف

«رون بن یشای»، کارشناس نظامی اسرائیلی در اظهاراتی گفت آنچه از آن به‌عنوان جنگ چند جبهه‌ای بین اسرائیل و ایران توصیف می‌شود بیش از ۱۰ سال است که ادامه دارد و آخرین مورد آن واکنش ایران به هدف قرار گرفتن یک سایت ساخت پهپاد این کشور توسط اسرائیل بود که ایران در جواب به آن، مرکزی را که تهران آن را تأسیسات موساد در اربیل خواند، مورد هدف قرار داد.

این کارشناس نظامی با بیان این‌که جنگ بین ایران و اسرائیل در ۴ جبهه اصلی در حال انجام است، مورد اول را آنچه «متوقف کردن برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران» خواند، عنوان کرد.

به‌گزارش «میدل ایست نیوز»، وی جنگ دوم را جلوگیری از حضور نظامی ایران در سوریه و جلوگیری از ایجاد اتحاد سه‌جانبه «ایران - لبنان - سوریه» در شمال شرق اسرائیل دانست و بر اساس تحلیل وی، مقابله با تلاش‌های ایران برای مسلح کردن جنبش مقاومت اسلامی (حماس) و حزب الله به موشک‌های نقطه‌زن سومین جبهه تقابل میان ایران و اسرائیل است.

رون بن یشای چهارمین مورد را هم جنگ دریایی عنوان کرد که کشتی‌های ایرانی و اسرائیلی مورد حمله متقابل قرار می‌گیرند.

بن یشای خاطرنشان کرد اسرائیل اقدامات خود علیه ایران را در سوریه، عراق، منطقه کشورهای شورای همکاری، دریای سرخ و مدیترانه انجام می‌دهد و از سویی حمله‌های سایبری اسرائیل در انتقام از حملات سایبری ایران انجام می‌شود که تأسیسات زیرساختی اسرائیل را هدف قرار داده بود و برای نمونه می‌توان به تلاش برای آسیب‌رساندن به سیستم آب آشامیدنی اسرائیل در دو سال قبل اشاره کرد.

این کارشناس نظامی افزود که حمله اسرائیل به یکی از سایت‌های ساخت پهپاد متعلق به سپاه پاسداران، تحول مهمی در مقابله با آنچه وی «تجاوزات ایران در منطقه» خواند، به حساب می‌آید.

وی گفت که این حمله منجر به انهدام حدود ۱۰۰ پهپاد ایران شد و ضربه بزرگی به سپاه پاسداران ایران بود. این کارشناس نظامی به‌گزارش برخی رسانه‌ها در روزهای اخیر استناد کرد و گفت که اسرائیل در حمله به مرکز ساخت پهپاد در کرمانشاه ایران از ۶ پهپاد استفاده کرد که حمل مقدار زیادی از یک نوع خاص از مواد منفجره توسط این پهپادها باعث تخریب گسترده در داخل و اطراف این سایت متعلق به سپاه پاسداران ایران شد.

بنابر تحلیل بن یشای، در این صورت حمله شدید ایران به اربیل و هدف قرار دادن جایی که تهران آن را مرکز موساد خواند، جای تعجب نداشت.

این کارشناس نظامی خاطرنشان کرد که در هر صورت، جنگ اسرائیل با ایران در جبهه‌های مختلف در حال گسترش و تشدید است و اگر زمانی از کار انداختن برنامه هسته‌ای ایران اولویت اصلی اسرائیل بود، اکنون جنگ در جبهه‌های مختلف به همان اندازه مهم است.

تحلیل‌گر اسرائیلی همچنین مدعی شد که محافل نظامی اسرائیل با تعجب به سرعت ایرانی‌ها در ساخت پهپاد در پاسخ به برتری هوایی اسرائیل در منطقه نگاه می‌کنند، به‌خصوص این‌که ایرانی‌ها سامانه‌های پهپادی خود را به تقلید از پدافندهای مشابه آمریکایی ساخته‌اند و از آن نه تنها علیه اسرائیل، بلکه علیه عربستان، امارات و اهدافی در عراق نیز استفاده می‌کنند و خطرناک‌ترین مورد آن را می‌توان حمله به تأسیسات نفتی عربستان در سپتامبر ۲۰۱۹ دانست. وی افزود که شاید دلایل ترس اسرائیل از پهپادهای ایران این باشد که این کشور آن‌ها را به متحدانش از جمله جنبش انصارالله یمن و شبه‌نظامیان شیعه در عراق تحویل می‌دهد و این پهپادها علیه اهداف مختلف در جای جای خاورمیانه و تا مسافت بیش از هزار کیلومتر قابلیت استفاده را دارند و به‌تهدیدی واقعی علیه تأسیسات نظامی و زیرساختی اسرائیل تبدیل شده‌اند.

اینترنت ایران به‌رتبه ۱۴۵ جهانی نزول کرد

بر اساس آماری از وضعیت سرعت اینترنت جهانی در ماه فوریه ۲۰۲۲ اعلام شده، میانگین سرعت دانلود اینترنت موبایل به ۲۲۰۴۲ و اینترنت ثابت ۹۰۷۸ مگابیت بر ثانیه رسیده است؛ رتبه ایران در اینترنت ثابت به ۱۴۵ و اینترنت سیار به ۸۰ رسیده است که حاکی از نزولی شدن رتبه اینترنت در ایران است. بنابر آخرین گزارشی که سایت «اسپید تست» منتشر کرده است رتبه ایران در اینترنت سیار ۳ رتبه و در اینترنت ثابت ۴ رتبه نزول داشته است.

پایان همه‌گیری کووید-۱۹ بسیار دور

سخن‌گوی سازمان جهانی بهداشت روز جمعه با اشاره به افزایش موارد ابتلا به کرونا در آخرین داده‌های هفتگی، گفت که پایان همه‌گیری کووید-۱۹ بسیار دور است. این نهاد وابسته به سازمان ملل پیش از این گفته بود که مرحله حاد بیماری همه‌گیر کووید می‌تواند در سالجاری به پایان برسد اما این موضوع بستگی به این دارد که جهان با چه سرعتی به هدف خود برای واکسینه کردن ۷۰ درصد از جمعیت هر کشور و عوامل دیگر دست پیدا کند. مارگارت هریس در پاسخ به سؤال خبرنگاری در نشست خبری ژنو درباره زمان پایان همه‌گیری گفت که پایان همه‌گیری دور است. وی افزود: «ما قطعاً در میانه همه‌گیری هستیم.» به‌گفته سازمان جهانی بهداشت، پس از بیش از یک ماه کاهش، هفته گذشته موارد ابتلا به کووید در سراسر جهان افزایش یافت و قرنطینه در برخی نقاط آسیا از جمله چین برای مهار شیوع این بیماری اعمال شد. این نهاد تأکید کرد سویه اومیکرون و نوع فرعی این سویه و همچنین لغو برخی از محدودیت‌ها باعث افزایش ابتلاها شده است.

جمع‌بندی

با پایان سال ۱۴۰۰ ایران با هر تحلیل و تفسیری پا به پانزدهمین قرن هجری شمسی می‌گذارد. قرن چهاردهم میلادی دوران تعیین‌کننده و پر تلاطمی در جامعه ایران بود که سه پادشاه و دو ولی فقیه صد سال بر آن حکمرانی کردند.

سال ۱۴۰۰ در شرایطی به ساعات آخرش رسید که فساد سیستماتیک در حکومت اسلامی ایران نهادینه و پیریشه و تثبیت شده است. اصلاح‌طلبان از حضور سیاسی در حاکمیت رنگ باختند. اصول‌گرایان در حالی که کنترل سه قوه حکومتی را در دست دارند اما کماکان در تشتت و فرقه‌گرایی غرق شده‌اند و فاقد چشم‌انداز بقای قدرت‌شان هستند. موقعیت برتر کنونی آن‌ها شکننده است.

اما متأسفانه جنبش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران و همه مخالفان نیز نتوانسته‌اند متحد شوند و صفوف خود را گسترش دهند و محکم‌کنند تا بتوانند به یک جنبش سراسری قدرتمند تبدیل شوند. و در جهت پروسه فروپاشی حکومت اسلامی گام‌های جدی و ماندگار بردارند.

با این وجود در آخرین سال قرن چهاردهم خورشیدی با توجه به تغییر کیفی در شیوه اعتراضات از دی ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸، بزرگترین تحریم انتخاباتی تاریخ حکومت اسلامی ایران روی داد اما این تحریم حکومت را به عقب‌نشینی وادار نکرد.

در سالی که گذشت وسیع‌ترین حرکت‌های سیاسی با شعارهای رادیکال علیه کلیت حاکمیت و حتی نهاد ولایت فقیه برگزار شد. در جریان اعتراضات به کم‌آبی در خوزستان مشاهده شد که چندین شهر کشور را فراگرفت. علاوه بر آن حرکت‌های اعتراضی معیشتی معلمان، کارگران، پرستاران، کارکنان دولت، بازنشسته‌ها، نویسندگان، کادر درمان، کشاورزان و ملیت‌های تحت ستم نیز برگزار شدند که سازمان‌یافته‌ترین آن‌ها اعتراضات مکرر معلمان بود. این اعتراضات به دلیل اختناق سیاسی، برخورد سرکوب‌گرانه حاکمیت، بحران ناکارآمدی عمیق حکومت و دشواری تحقق مطالبات انباشته‌شده عملاً سیاسی شده‌اند. مشکلات ساختاری نیز باعث شده حتی مطالبات صنفی نیز بدل به خواسته‌های «سیاسی» شود.

اما همه این خیزش‌ها و اعتراضات و جان‌فشانی‌های سازمان‌دهندگان آن‌ها، هنوز به یک جنبش اعتراضی سیاسی فراگیر و پیگیر ارتقاء نیافته است. هنوز فاصله مشخص زیادی بین این اعتراضات و یک جنبش سیاسی فراگیر سراسری وجود دارد.

بی‌تردید تغییر این وضعیت نیازمند ابتکار و خلاقیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است و به روش‌ها و راهکارهای جدید و استمرار نیاز دارد تا فضای پلیسی شکسته شود و دستگاه سرکوب را زمین‌گیر سازد. چنین تحولی تنها توسط فعالین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی که در سال‌های اخیر تعداد آن‌ها رو به فزونی داشته امکان‌پذیر است. تنها اراده و شجاعت کافی نیست بلکه تدبیر و توانایی و اندیشمندی سیاسی و اجتماعی نیز می‌طلبد.

بی‌گمان سال پیش روی نیز سال پرمشقتی برای اکثریت شهروندان جامعه خواهد شد. برای مثال وزارت نیروی ایران روز شنبه، ۲۸ اسفند، اعلام کرد که بر اساس مصوبه دولت، مشترکاتی که تا ۱۰۵، دو، سه، چهار و بالاتر از چهار برابر الگوی تعیین‌شده، آب مصرف کنند، به‌ترتیب با ۵۰، ۷۵، ۱۰۰، ۲۰۰ و ۴۰۰ درصد افزایش تعرفه نسبت به سال ۱۴۰۰ مواجه خواهند شد.

نوروز و فرارسیدن بهار را به شهروندان آزاده ایران و همه کسانی که در هر جای دنیا نوروز را جشن می‌گیرند، شادباش می‌گوییم و برای آن‌ها سالی سرشار از تندرستی، شادمانی، موفقیت و آزادی آرزو می‌کنم.

نوروز تان خجسته باد و شادکام باشید!